



الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میربگ

زاگرس مرکزی «براساس بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه»

عمران گاراژیان*، جلال عادلنی**، لیلیا پاپلی یزدی***

چکیده

دشت خاوه و منطقه میربگ در شهرستان دلفان از شناخته شده ترین قسمت‌های زاگرس مرکزی است. استقرارهایی مانند تپه جمشیدی، تپه عبدالحسین در دشت خاوه و تپه‌های نورآباد و باباجان در بخش مرکزی شهرستان دلفان به ترتیب بوسیله گیرشمن، جودیت پولار، سید منصور سید سجادی و کلر گاف مید مورد کاوش قرار گرفته‌اند. در این مقاله ابتدا اطلاعات حاصل از نخستین فصل بررسی در منطقه سازماندهی شده و سپس از طریق مطالعات مقایسه‌ای با اطلاعات باستان‌شناسی موجود درباره منطقه گاهنگاری آن پیشنهاد شده است. به طور کلی منطقه محصور بین دو رشته کوه بلند گرین و سفید کوه است و به نظر می‌رسد فرایند تحولات و توسعه فرهنگی در آن با دشت‌های گسترده و در ارتباط با مناطق همجوار در زاگرس مرکزی متفاوت است. در این مقاله استقرارهای دارای آثار یک دوره به عنوان شاخص و تیپ استقرارهای همان دوره معرفی شده سپس بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی سلسله مراتب و فرایند تغییر الگوی استقرار و دیگر شرایط استقرارهای باستانی ارزیابی و تحلیل شده است.

کلیدواژگان: لرستان، دشت خاوه، منطقه میربگ، زاگرس مرکزی.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تهران.

** کارشناس باستان‌شناسی میراث فرهنگی و گردشگری استان لرستان.

*** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تهران.

مقدمه

دشت خاوه و منطقه میربگ در پیشکوه لرستان واقع است. در آبان ماه سال ۱۳۷۸ بررسی باستان-شناسی در منطقه مذکور به سرپرستی عمران گاراژیان انجام شد که مقاله‌ی حاضر از نتایج این بررسی حاصل شده است (نقشه ۱).

پژوهشهای باستان‌شناسی نشان داده که سکونت در این منطقه از دوره‌ی نوسنگی بی-سفال آغاز شده طی بررسیهای باستان‌شناسی هفتاد و شش استقرار دارای آثار دوره‌های گوناگون در منطقه شناسایی شد.

برای شناسایی دوره‌ها، آثار مادی شاخص هر دوره مورد مطالعه قرار گرفته و معرفی شده‌اند. سپس استقراریهایی که فقط دارای آثار یک دوره بوده‌اند به عنوان استقراریهای شاخص همان دوره در نظر گرفته شده‌اند و نهایتاً مطالعه استقراریهای شاخص الگوی استقرار و تحویل اسکان در منطقه نشان می‌دهد که تحولات منطقه دارای ترتیب خاصی است بدین صورت که در چهار مقطع زمانی نوسنگی، دوره‌ی آهن، دوره‌ی تاریخی و دوره‌ی اسلامی به ترتیب استقراریهای فصلی، استقراریهایی که طول وسیع‌تر شده و احتمالاً سکونت طولانی‌تر شده و استقراریهایی که دارای سلسله مراتبند ظهور کرده و سپس منطقه خالی از استقراریهای دائمی شده است.

پیشینه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در

دشت خاوه و منطقه میربگ

پس از خوزستان، لرستان زودتر از مناطق دیگر ایران مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت. «ژاک دمرگان»^۱ (۱۸۹۶ م.) از نخستین پژوهشگرانی بود که منطقه‌ی لرستان را بررسی کرد. سپس هرتسفلد^۲ (۱۹۲۹ م.) در بخش شرقی لرستان تپه‌های باستانی گیلوران و گیان را شناسایی کرد (سجادی: ۱۳۷۸).

«ژرژ کنتنو»^۳ و رمان گیرشمن^۴ طی سالهای ۳۲_۱۹۳۱ در تپه گیان و در طول سال ۱۹۳۳ م. در تپه جمشیدی به حفاری پرداختند که گزارش این حفاریها در سال ۱۹۳۵ م. منتشر شد (Contenau and Ghirshman, 1935).

«سپس هیئت باستان‌شناسی هلمز به سرپرستی اریخ اشمیت»^۵ طی سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۸ بررسیها و گمانه‌زنی‌هایی در لرستان انجام دادند این هیئت یکبار در پاییز ۱۹۳۷ و بار دیگر در ۱۹۳۸ در تپه دم آویزه گمانه‌هایی حفر کردند؛ سپس دلفان و طرحان را (دره‌های سیمره و کشکان) در سال ۱۹۳۸ مورد بررسی قرار دادند. همچنین از سطح تپه پیش از تاریخی شهن آباد^۶ (واقع در منطقه میربگ) سفالهایی را جمع‌آوری کردند (نوروززاده چگینی، ۱۳۷۲).

اهالی سالخورده محلی هنوز بررسیهای هوایی اشمیت را به یاد دارند. «اشتاین»^۷ نیز طی سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۴۰ منطقه را بررسی کرده و گمانه‌هایی در تپه نورآباد حفر کرد (همان). پس از این کلرگاف^۸ در بهار ۱۹۶۳ و پاییز ۱۹۶۴ منطقه را

کنونی بود، یعنی استانهای فعلی لرستان و ایلام و بخشی از استان کرمانشاه را هم در بر می‌گرفت (نوروززاده چگینی، ۱۳۷۲).

کبیرکوه با جهت شمال غرب-جنوب شرق یکی از ارتفاعات زاگرس مرکزی و بلندترین کوه ایران جنوبی و بین‌النهرین است.

غرب این رشته کوه پشتکوه و شرق آن پیشکوه خوانده می‌شود.

«پیشکوه قسمتی از لرستان است که دقیقاً در شرق کبیرکوه واقع شده، این رشته کوه عظیم منطقه را از بین‌النهرین جدا می‌کند. پیشکوه از دو منطقه‌ی اصلی تشکیل شده، منطقه‌ای پست و گرم که اقامتگاه زمستانی کوچروان است و گرمسیر خوانده می‌شود و در غرب قرار دارد؛ منطقه‌ی شرقی سرد و بلند است و سردسیر نام دارد و منزلگاه تابستانی کوچروان است این دو منطقه توسط سفیدکوه که تقریباً به بلندی کبیرکوه است از یکدیگر جدا می‌شوند. سفیدکوه از جنوب کرمانشاه شروع شده و تا جنوب خرم آباد ادامه می‌یابد» (Goff, 1967).

دشت خاوه و منطقه میربگ زاگرس مرکزی در شمال سفیدکوه و در شمال لرستان واقع شده‌اند. کوه گرین به موازات سفیدکوه در شمال منطقه کشیده شده و آن را از بخش گیان نهایند جدا می‌کند. تنها گذرگاه رابط دشت خاوه و منطقه‌ی گیان تنگه‌ی گاماسیاب واقع در کوه گرین است. کوه سرخه و کوه سفره در شرق، که جاده اسفالت خرم آباد - نورآباد از بین آنها می‌گذرد، دشت خاوه و منطقه میربگ را از دهستان فیروزآباد الشتر جدا می‌کند. در جنوب غرب، سفیدکوه مانند دیواری

بررسی کرده و در سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ سه فصل در تپه باباجان^۹ واقع در بخش مرکزی نورآباد حفاری کرد. حاصل پژوهشهای خانم گاف به صورت چندین مقاله در مجله ایران منتشر شده است (Goff, 1967: 71). جودیت پولار^{۱۰} نیز در سال ۱۹۶۹ تپه عبدالحسین نزدیک تپه جمشیدی در بخش خاوه را بررسی کرد و در سال ۱۹۷۸ در آنجا به حفاری پرداخت. گزارش این حفاری به صورت کتابی در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است (Pullar, 1995). «همچنین در سال ۱۳۶۰ هیئتی از طرف مرکز باستان‌شناسی ایران به سرپرستی سید منصور سید سجادی در تپه نورآباد به حفاری پرداخت» (سجادی، ۱۳۶۲). گزارش نامبرده به صورت مقاله‌ای خلاصه و مختصر در کتاب باستان‌شناسی و هنر ایران (بزرگداشت دکتر عزت‌الله نکهبان) به چاپ رسیده است (سجادی، ۱۳۷۸).

علی سجادی^{۱۱} نیز پس از دهه‌ی هفتاد شمسی گمانه‌زنی تعیین حریم چند تپه از جمله تپه کفراج واقع در دشت خاوه را انجام داد. نهایتاً هیئت بررسی و شناسایی نورآباد لرستان به سرپرستی نگارنده و همراهی آقایان جلال عادل (کارشناس باستان‌شناس و معاون هیئت)، محمد حسن معطری (نقشه‌بردار) و فرود غضنفری (راننده‌ی هیئت)^{۱۲} طی یکماه در سال ۱۳۷۸ دشت خاوه و منطقه میربگ را مورد بررسی قرار داد که این مقاله حاصل آن بررسی است.

موقعیت و محدوده جغرافیایی

لرستان از نظر جغرافیایی طبیعی و فرهنگی به دو منطقه‌ی پیشکوه و پشتکوه تقسیم می‌شود. البته «سرزمین لرستان به معنی اعم آن بزرگتر از لرستان

دشت خاوه و منطقه میربگ حوزه آبرگیر یکی از رودخانه‌های سمیره و کشکان رودند و اقوام ساکن در این مناطق نیز از طوایف متفاوتند، آثار این دو منطقه به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

منابع آب و قوم‌شناسی

رودخانه خاوه که از شاخه‌های بالائی سمیره است از تنگه گاماسیاب سرچشمه گرفته، پس از پیوستن به آب‌های حاصل از سراب نیاز و سراب عباس بگی در حدود عبدالحسینی و در پای ارتفاعات گرین در بخش خاوه جاری می‌شود (نقشه ۲). در زمان معاصر عمده آب رودخانه و سرابهایش به شکل سنتی بین روستائیان دشت خاوه تقسیم شده و برای کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از نظر قوم‌شناسی ساکنین کنونی دشت خاوه همگی از ایل ملک‌الدینند آنها همگی خود را به جان محمد ملک‌الدین بزرگ نسبت می‌دهند. این ایل دارای چند طایفه و هر طایفه دارای چند تیره است. که تقریباً هر کدام از تیره‌ها در روستایی به نام خودشان سکونت دارند. حاصلخیزترین قسمت دشت به نیای بزرگ (محمدجان ملک‌الدین) نسبت داده می‌شود که قدیمی‌ترین استقرار شناخته شده دشت خاوه (تپه عبدالحسینی) در این قسمت واقع شده است. در تمام دشت خاوه ایل ملک‌الدین ساکنند. بر اساس مصاحبه با سالخوردگان مشخص شد که پیشینه‌ی سکونت آنها در منطقه به بیش از یک قرن نمی‌رسد. آنها از زمان اسکان عشایر توسط رژیم گذشته در منطقه سکونت اختیار کرده‌اند.

کشیده شده و تنها گذرگاه آن تنگ ماشوره (گاوشمار) است، کشکان رود از این تنگه می‌گذرد^{۱۳}.

کوه سه کلاه، کوه چال خلم و شهر کنونی نورآباد و رودخانه بادآور تا دامنه‌های کوه گرین، حد شمالی منطقه‌ی مورد مطالعه است.

«منطقه‌ی یاد شده مساحتی حدود ۸۲/۵×۲۷/۵ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد» (گاراژیان، ۱۳۷۸).

اقلیم منطقه سردسیری و آب و هوای آن کوهستانی است. البته آب و هوا و پوشش گیاهی در همه منطقه یکسان نیست. دامنه‌های کوه گرین داشت یعنی دشت خاوه سردتر از ناحیه میربگ است. بطور کلی منطقه دارای تابستانهای معتدل (حداکثر دما در سالهای گرم ۳۵°C) و زمستانهای سرد است بطوریکه پایین آمدن دما تا بیست درجه زیر صفر در منطقه خاوه در زمستان امری عادی است.

در دشت خاوه فقط در کنار رودخانه‌ها انبوه درختان مشاهده می‌شود کشت آبی در جوار رودخانه و منطقه‌ی پست دشت انجام می‌شود و تپه ماهورهای میان دشت و کوهپایه‌های کوه گرین زیر کشت دیم‌اند. درختان بلوط در این منطقه مشاهده نمی‌شوند. منطقه میربگ یعنی دامنه‌های شمالی سفیدکوه نسبت به دشت خاوه دارای آب و هوای معتدلتری است. جنگلهای تنک درختان بلوط دامنه‌ها را پوشانده و کشت و زرع در دره‌های مرتفع که دارای چشمه‌اند و رودخانه‌ها از آنها سرچشمه می‌گیرند انجام می‌شود. بعضی کوهپایه‌ها و بعضی نواحی بین درختان بلوط زیر کشت دیم است. نظر به تفاوت‌های یاد شده و اینکه هر کدام از مناطق

بادآور دشتهای گسترده مزارع کشت دیم واقع شده‌اند که از نظر فرهنگی و زیست محیطی وابسته به بخش میربگ هستند.

توصیف استقرارهای دوره‌ها و آثار دشت خاوه و منطقه میربگ

مشخصات استقرارها^{۱۴} به ترتیبی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند در جداول ۱-۱ تا ۵-۱ درج شده و آثار و دوره‌های مشهود در این استقرارها^{۱۵} در جداول ۱-۲ تا ۵-۲ گنجانده شده‌اند دوره‌هایی که در استقرارها با مطالعه آثار حاصل از بررسی سطحی آنها مشخص شده به شرح زیر است:

۱) پیش از نوسنگی: آثار از دوره پارینه سنگی^{۱۶} از غارهای کنجی، قمری، یافته و پناهگاه پاسنگر خرم آباد متعلق به دوره‌های موستری^{۱۷}، برادوستین^{۱۸} و زارزین^{۱۹} قبلاً کشف شده است (هول، ۱۳۴۴)، نزدیکی جغرافیایی منطقه مورد بررسی^{۲۰} با دره خرم‌آباد و شباهت ریختی بعضی از ابزارهای شناسایی شده با آثار غارهای یاد شده موجب پیش‌بینی احتمال وجود آثار پیش از نوسنگی در چند محوطه شد (نقشه ۲).

این محوطه‌ها یکی در غرب، تپه جمشیدی (G.10) در دشت خاوه و دو تای دیگر در شمال تپه مومن زمین (M.68) و در منطقه‌ی دارگردکانه و سرمرنگ (استقرارهای شماره ۶۶ و ۶۵ و ۶۴ در نقشه ش. ۳) واقع شده‌اند. طرحهای شماره ۲۹ و ۷۰ از محوطه‌ی مومن زمین و طرحهای شماره ۳۱، ۳۲، ۳۵ و ۳۸ که مشابه آثار پاسنگرند از دارگردکانه و سرمرنگ آثار مبین احتمال وجود آثار قبل از نوسنگی در منطقه می‌باشند.

شهر نورآباد نیز شهر تازه تأسیسی است. به عنوان مثال هنگام حفاری گیرشمن به سال ۱۳۱۲ ه.ش در تپه جمشیدی این استقرار هنوز شهر محسوب نمی‌شده است.

رودخانه چم زکریا یکی از شاخه‌های کشکان رود است که از دامنه‌های شمالی سفیدکوه در منطقه میربگ سرچشمه می‌گیرد همه شاخه‌های این رودخانه به جز یک مورد که از جنوب بخش مرکزی شهرستان نورآباد سرچشمه می‌گیرد، در میان ارتفاعات بلند جاری‌اند (نقشه ۲).

روستاهای پراکنده در بین ارتفاعات و آثار استقرارهای گذشته عموماً در انتهای دره‌هایی است که داری چشمه‌اند و رودخانه از آنها سرچشمه می‌گیرد؛ هر کدام از این دره‌ها چند روستا را در خود جای داده‌اند و الگوی استقرار در آنها یک سلسله را نشان می‌دهد که از انتهای دره به طرف عمق جدیدتر می‌شوند. جاهایی که رودخانه آب بیشتری دارد و در عمق دره‌ای تنگ جاری است آثار روستاهای معاصر و استقرارهای گذشته مشاهده نمی‌شود (نقشه شماره ۲).

تقریباً تمامی ساکنان منطقه میربگ از ایللی به همین نام هستند اما برخلاف دشت خاوه ساکنان محلی اطلاعات خاصی از منشاء طایفه خود ندارند.

در مواردی به مجموعه دو یا سه تایی روستاها برخورد شد که بصورت منزوی در پس ارتفاعات به سر می‌برند و دارای آثار دوره نوسنگی تا زمان حال بودند. فن‌آوری جدید به این روستا وارد نشده و هنوز دست نخورده‌اند (دارگردکانه و سرمرنگ) بین دو منطقه یاد شده و در جنوب بخش مرکزی نورآباد در اطراف یکی از شاخه‌های رودخانه

نمونه‌های ابزارهای سنگی تپه نعمت‌اللهی با شماره طرحهای ۱ تا ۷ و تپه گلباغی از ۸ تا ۱۶ طراحی شده است. پراکندگی استقرارهای یاد شده در نقشه شماره ۲ مشخص است.

۲-۲) نوسنگی باسفال: شاخص استقرارهای این دوره وجود توأم ابزارهای سنگی و سفالهای دوره نوسنگی است. سفالهای دوره‌ی نوسنگی در منطقه عموماً با شاموت کاه و گیاهان خرد شده و ماسه، پخت ناکافی و مغز سیاهرنگ مشخص است.

نقوش، هندسی است البته سفال‌های بدون نقش هم از این دوران شناسایی شد. همه سفال‌های این دوره دست سازند و همین وجه تمایز سفال‌های این دوره و دوران دیگر است.

در مجموع چهارده استقرار دارای آثار این دوره شناسایی شد که چهار استقرار در دشت خاوه و ده استقرار در منطقه‌ی میربگ واقع شده‌اند (جداول ۲-۱ تا ۲-۵ زیر ستون نوسنگی با سفال) از این استقرارها قبرستان زمانه (Q.8) و تپه دول بید (D.67) فقط آثار این دوره را دارند و قبرستان خسربک (Q.35) و تپه عبدالحسینی (E.18) آثار این دوره و یک دوره دیگر را هم شامل می‌شوند. به جز تپه دول بید که محوطه‌ای با آثار بسیار پراکنده است استقرارهای دیگر بین ۲۰۰۰-۴۰۰۰ متر مربع مساحت دارند. بجز تپه عبدالحسینی که بدلیل موقعیت خاص و آثار دوره‌ی قبل ۶/۵ متر ارتفاع دارد بقیه یا محوطه‌اند یا کمتر از ۲ متر ارتفاع دارند. نمونه‌هایی از ابزار این دوره با طرحهای شماره ۱۷ تا ۲۴ ابزارهای سنگی تپه میروژلان ۲۶ و ۲۵ قبرستان خسربک ۲۷ و ۲۸ تپه مومن زمین ۲۹ تا ۴۹ تپه چیاکونون و ۴۳ تا ۶۹ تپه دوری جار و سفالهای

۲) نوسنگی: این دوره با تحولات تأثیرگذار بر فرهنگ بشری از جمله آغاز تولید غذا (دامداری - کشاورزی) بویژه در زاگرس که خاستگاه دیرپاترین استقرارهای دامدار - کشاورز است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد. (Mellart, 1975). به نظر می‌رسد دوره‌ی نوسنگی تداوم یک سری تحولات «از نوسنگی پیش از سفال با شاخص وجود شمار زیادی مادر سنگ فشنگی شکل است که از تولید ریز تیغه‌ها^{۱۱} بوجود آمده‌اند» (هول: ۱۳۷۸) و تا آغاز تولید انبوه سفال با بکارگیری چرخ سفالگری را شامل می‌شود. این دوره خود شامل سه دوره‌ی کوتاهتر است:

۲-۱) نوسنگی بی‌سفال: شاخص این دوره وجود مادرسنگهای فشنگی شکل و ابزارهایی مانند ریز تیغه‌ها، تیغه‌های کولدار و هندسی در استقرارهایی است که فاقد سفال دوره‌ی نوسنگی‌اند.

تپه‌های محمدعلی (M.20) نعمت‌اللهی (N.29) در دشت خاوه و تپه گلباغی (G.61) در منطقه‌ی میربگ استقرارهایی هستند که احتمالاً تنها شامل آثار این دوره‌اند.

مساحت کمتر از ۲۰۰۰ متر مربع و ارتفاع حدود ۳ متر از سطح دشت از مشخصات این استقرارهاست (جداول ۱-۱ تا ۱-۵) از نظر موقعیت محلی - زیست محیطی این استقرارها در مزارع کنار رودخانه‌ها واقع شده‌اند که تنها در فصل بهار و اوایل تابستان و زمستان دارای آب می‌باشند.

تپه عبدالحسین (E.18) اگر چه در سطح دارای سفالهای نوسنگی است اما طی حفاری انجام شده در آن لایه‌ی نوسنگی بدون سفال نیز از آن گزارش شده است (Pullar, 1995).

در منطقه میربگ واقع شده‌اند (جداول ۲-۱ تا ۲-۵ زیر ستون نوسنگی متأخر).

استقرارهای چغاقنبر (G.11)، چغاسیفل (S.17)، چغادیمه (D.26) در دشت خاوه و چغامولا و دره دیمه در منطقه میربگ تنها آثار این دوره را داشته‌اند.

این استقرارها از نظر مساحت و ارتفاع به سه گروه تقسیم می‌شوند و دارای سلسله مراتب هستند: تپه سیفل در دشت خاوه دارای ۲۷۰۰۰ متر مربع مساحت و ارتفاع ۱۶-۱۵ متر از سطح دشت مرتبه اول، تپه قنبر در دشت خاوه و دره دیمه در بخش مرکزی وابسته به منطقه میربگ بین ۸۰۰۰ تا ۱۰۲۰۰ متر مربع مساحت و ۲-۴ متر ارتفاع در رتبه دوم و چغادیمه در دشت خاوه و چغامولا در منطقه میربگ بین ۲۰۰۰-۴۰۰۰ متر مربع مساحت و ۴-۵ متر ارتفاع در رتبه سوم قرار دارند.

طرح‌های شماره ۳ از تپه میروژلان، ۴ از دوری حار و ۵-۱۳ از تپه مومن زمین نمونه‌ای از سفال‌های این دوره‌اند همچنین در عکس شماره ۴ سفال‌های تپه گندبان و شماره ۵ سفال‌های تپه گوهرگوش نمونه‌های سفال‌های این دوره‌اند.

۳) دوره آهن: این دوره شکوفایی مجدد منطقه را با وجود استقرارهای گسترده‌ی جدید و سنت سفالگری متفاوت با گذشته نشان می‌دهد. با اطلاعات حاصل از بررسی انقطاع یکباره را نمی‌توان نتیجه گرفت خاصه اینکه غیر از خود تپه گیان در مناطق دیگر لرستان، تشخیص فرهنگ گیان II از فرهنگ ماقبل آن یعنی گیان III و IV به سختی صورت می‌گیرد (Goff, 1971) به نقل از طلائی: (۱۳۷۴).

۱۱ و ۲ از چیاکونون متعلق به دوره‌ی نوسنگی با سفال است. در عکسهای شماره‌ی ۱ تا ۳ بعضی نمونه‌های ابزارهای سنگی و سفالهای این دوره مشاهده می‌شود. در نقشه شماره ۲ نیز استقرارهای این دوره مشخص شده است.

۳-۲) نوسنگی متأخر: شاخص استقرارهای این دوره وجود سفال‌های چرخساز است. سفالهای منقوش و بدون نقش هر دو از این دوره دیده شده اما سفال‌های منقوش در استقرارهای دارای آثار اوایل این دوره رواج بیشتری داشته است. شاموت ماسه، سنگریزه، دانه‌های سفیدرنگ و در بعضی تکه‌های ظرفهای بزرگ گاه مشاهده می‌شود. پخت کافی به طوری که مغز سفال همانند سطوح آن کرم رنگ است از خصوصیات سفال‌های این دوره است. با رواج سفال‌های چرخساز و پیشرفت فن-آوری فلزگری تیغه‌های سنگی از استقرارهای این دوران کمتر بدست می‌آید. تمرکز نقوش در سفال‌های این دوره‌ی لرستان زیر لبه و بر روی شانه‌ی ظرف است. نقوش عبارتند از خطوط عمودی و افقی، زیگزاگ، خطوط مشخصی، نقوش شانه‌ای، دوایری که در وسط نقطه‌ای دارند و لوزی‌هایی که داخلشان دارای خطوط موازی است.

این دوره آثار کلکولیتیک^{۲۲} میانه (۳۲۵۰ پ.م) تا مفرغ جدید (۱۶۰۰ پ.م) را در تقسیم‌بندی اشمیت شامل می‌شود (نوروززاده چگینی، ۱۳۷۲). بدلیل طولانی بودن دوره تعداد استقرارهای شناسایی شده نیز نسبت به دوره‌های دیگر بیشتر است.

کلاً بیست و پنج استقرار دارای آثار این دوره شناسایی شده که یازده مورد در دشت خاوه و بقیه

عکس‌های شماره ۶ تپه ورشون و ۷ تپه گوهرگوش ارائه شده است.

۳-۲) دوره‌ی آهن II: «بر اثر منطقه‌ای شدن سفال‌ها عصر آهن II - که یکی از شاخص‌های گونه‌شناسی سفال‌های این دوره تلقی می‌شود. بررسی تپه‌های باستانی این دوره به لحاظ شناسایی سفالی و استقرارها بسیار مشکل است» (طلایی، ۱۳۷۴). شاخص سفالهای این دوره علاوه بر تداوم بعضی گونه‌های سفال‌های آهن I ظهور گونه‌های سفالی است که اصطلاحاً نوع لرستان^{۳۳} خوانده می‌شود (Goff, 1967).

سفالهای نوع لرستان عموماً نخودی و دارای نقوش قهوه‌ای و حنایی‌اند، نقشها خطوط افقی موازی و مثلثی است که به صورت افقی داخل آنها خط‌کشی شده است. ظروف دسته‌دار که روی دسته‌ها منقوشند، ظروف بزرگی که روی بدنه آنها چند نوار موازی برآمده دارد و روی نوارها دارای نقوش مقعر دایره‌ای است از دیگر انواعند. اضافه بر اینها ظروف با پوشش قهوه‌ای و قرمز هم در این دوره رایج بوده است.

در مجموع بیست و یک استقرار دارای آثار این دوره شناسایی شده که سه استقرار در دشت خاوه و بقیه در منطقه میربگ واقع شده‌اند (جداول ۱-۲ تا ۲-۵ زیر ستون آهن II).

تنها استقراری که فقط دارای آثار این دوره است تپه زردالو است. این تپه کوچک تقریباً ۲۵۰۰ متر مربع مساحت و ۳/۸ متر ارتفاع دارد. نمونه‌هایی از سفالهای این دوره در عکسهای شماره ۴ و ۵ مشخص است.

آثار دوره آهن در غرب ایران به سه دوره کوتاهتر I، II و III تقسیم می‌شود. آثار و استقرارهای این دوره‌های سه گانه به شرح زیر است:

۳-۱) دوره آهن I: شاخص استقرارهای این دوره تداوم سفال‌های اواخر دوره‌ی پیشین (نوسنگی متأخر) و وجود سفال‌های خاکستری در بعضی استقرارها و همچنین پدیدار شدن سفال‌های ته دکمه‌ای و لبه برگشته می‌باشد که از نظر شکل قابل مقایسه با سفال‌های ایلامی است بر روی بدنه تخت بعضی از این سفالها، نقوش ساده و پراکنده خطوط و ضربدر مشاهده می‌شود. این نقوش به رنگ حنایی‌اند که در دوره‌ی بعد تداوم و گسترش یافته است.

بیست و چهار استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شده که یازده استقرار در خاوه و چهارده استقرار در منطقه میربگ واقع شده‌اند (جداول شماره ۱-۲ تا ۲-۵ زیر ستون آهن I).

تپه‌ای بدون نام (B.5)، تپه بدون نام (B.9) چغاگلور (G.25)، قبرستان مرادآباد (M.38) و تپه بدون نام (B.76) که فقط دارای آثار این دوره‌اند و همگی در دشت خاوه واقع شده‌اند. هیچ استقراری که تنها آثار در این دوره را داشته باشد در منطقه میربگ شناسایی نشد. تنها تپه بدون نام (B.76) در کنار جاده نورآباد - خرم‌آباد و در محدوده بین دشت خاوه و منطقه‌ی میربگ واقع شده است. سه محل از این پنج محل قبرستان بوده‌اند. (B.9، B.5 و M.38) این استقرارها از نظر مساحت متفاوتند (از ۱۰۸۰۰ تا ۱۴۰۰ متر مربع) اما همگی کمتر از ۳ متر ارتفاع دارند نمونه‌هایی از آثار این دوره در

خواه چغافره‌اد (F.40)، چغا درگاه (D.42) و تپه‌ای بدون نام (B50) در منطقه میربگ، استقرارهایی هستند که فقط آثار این دوره را دارند، همه این استقرارها به جز تپه بدون نام (B.50) که زیر کشت است بین ۵-۱۰ متر ارتفاع دارند و از نظر مساحت به سه گروه تقسیم می‌شوند. تپه عباس بگی و سیصد و سی تا ۳۰۰۰ متر مربع مساحت دارند. تپه‌های چغاتقی، چغادرگاه و قبرستان شکری بین ۴۰۰۰-۷۷۰۰ متر مربع و چغافره‌اد و تپه بدون نام (B.50) حدود یک هکتار مساحت دارند.

۶) دوره ساسانی: آثاری که بتوان آنها را به طور قطع به این دوران نسبت داد شناسایی نشد.

۷) دوران اسلامی (قرن ۴-۱): سفالهای آبی فیروزه‌ای و سفالهایی با لعاب سفید از شاخص‌های این دوره‌اند. آثار این دوره در چهار استقرار که دو استقرار از آنها در خاوه و دو تای دیگر در منطقه میربگ واقع هستند شناسایی شد (جداول ۲-۱ تا ۲-۵ زیر ستون اسلامی قرن ۴-۱) هیچ استقراری که فقط دارای آثار این دوره باشد، شناسایی نشد.

۸) اسلامی (قرن ۷-۵): شاخص این دوره سفالهایی با لعاب لاجوردی و سبز و پاشیده است همچنین در مجموع دوازده استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شد. نه استقرار در دشت خاوه و سه استقرار در منطقه میربگ واقع شده‌اند. استقراری که فقط دارای آثار این دوره باشد شناسایی نشد.

۹) اسلامی (قرن ۱۱-۸): فقط یک بنا و مقبره بابای بزرگ که منسوب به دوره تیموری است در منطقه شناسایی شد.

۳-۳) دوره‌ی آهن III: شاخص استقرارهای این دوره سفالهای نخودی و در مواردی مایل به قرمز کم‌رنگ با نقوش حنایی خطوط افقی موازی و ردیف مثلثها و نقوش قلاب شکل در داخل ظروف، تنگهای کوچک که بیرون آن نقوش با مثلثهایی که با خطوط عمودی پر شده‌اند، می‌باشند.

کلاً دوازده استقرار دارای آثار این دوره شناسایی شد که چهار استقرار در دشت خاوه و هشت استقرار دیگر در منطقه میربگ واقع شده‌اند.

تپه شاه‌آباد (Sh.31)، تپه ملوس (M.32) در تنگ گاماسیاب دشت خاوه دو استقرار هستند که فقط آثار این دوره را دارند؛ تپه شاه‌آباد محوطه‌ای زیر یک روستای معاصر و غیر قابل اندازه‌گیری است و تپه ملوس با ۷۷۰۰ متر مربع مساحت و ۶/۵ متر ارتفاع تپه‌ای وسیع با موقعیت ویژه است که روابط دشت خاوه و منطقه گیان را در این دوره نشان می‌دهد.

۴) ماد و هخامنشی: آثاری که به طور قطع بتوان آن را به این دوره نسبت داد در منطقه شناسایی نشد.

۵) دوره‌ی پارت: شاخص استقرارهای این دوره سفالهای پارتی بویژه کلینکی^{۲۴} است. بر خلاف دوره‌ی ماد و هخامنشی که شاخص معینی ندارد، دوره‌ی پارت با سفالهای شناخته شده براحتی در بررسی‌های باستان‌شناسی شناسایی می‌شود.

در مجموع سی و یک استقرار از دوره‌ی پارت شناسایی شد که هیجده استقرار در دشت خاوه و سیزده استقرار در منطقه میربگ واقع شده‌اند (جداول ۲-۱ تا ۲-۵ زیر ستون پارت).

تپه سیصدمنی (c.7)، قبرستان شکری (Sh.21)، تپه عباس بگی (A.24)، چغاتقی (T.34) در دشت

گاهنگاری استقرارها بدلیل فقدان شاخص قابل شناسایی در بررسی برای بعضی دوره‌ها و همچنین غیر قابل دسترسی بودن آثار لایه‌های زیرین استقرارهایی که دارای آثار چند دوره‌اند، به دو صورت قطعی و احتمالی انجام شد.

دوره‌های پیش از نوسنگی، ماد، هخامنشی و ساسانی شاخصی نداشتند در نتیجه استقراری که به طور قطع دارای آثار این دوره باشد، گزارش نشد. البته استقرارهایی وجود دارند که احتمال می‌رود حاوی آثار این دوره‌ها باشند. همچنین دوره‌هایی نیز وجود دارند که احتمال می‌رود آثارشان در زیر بقیه استقرارها باشد.

استقرارهایی که وجود آثار یکی از دو دلیل یاد شده در آنها احتمالی است در نمودار شماره ۴ مشخص شده‌اند. نمودار شماره ۳ تعداد استقرارهایی که وجود آثار از دوره‌های گوناگون در آنها قطعی است را نشان می‌دهد. نقشه‌ها و تحلیل‌ها صرفاً براساس این استقرارها انجام شده چرا که احتمال وجود آثار واقع‌نمایی تحلیل را تقلیل می‌دهد.

نمودارهای ۵ و ۶ تعداد استقرارهای دوره‌های گوناگون را به ترتیب در دشت خاوه و منطقه میربگ نشان می‌دهند. مقایسه‌ی این نمودارها مبین این مسئله است که سیر صعودی تعداد^{۲۷} استقرارها از قدیم به جدید در منطقه‌ی میربگ نسبت به دشت خاوه تدریجی‌تر و دارای افت و خیز کمتری است. یکی از عوامل مؤثر بر این مسئله اعتدال آب و هوای منطقه‌ی میربگ است. همچنین بیشترین تعداد استقرارها در دشت خاوه متعلق به دوره پارت و در منطقه میربگ مربوط به دوره‌ی آهن II می‌باشد.

۱۰) اسلامی نزدیک به زمان معاصر: شاخص این دوره سفال‌های لعابدار و بی لعاب نزدیک به زمان معاصر است. کلاً چهار استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شد که سه استقرار در دشت خاوه و یکی دیگر در منطقه میربگ واقع شده‌اند.

خلاصه و جمع‌بندی

ارتفاعات، کوهپایه‌ها و مناطق پست دشت خاوه و دره‌های میربگ به ترتیب حوزه‌های آبگیر و آبریز شاخه‌های بالایی رودخانه‌های سمیره^{۲۵} کشکان^{۲۶} رودند.

همجواری، نزدیکی جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، اقلیمی و پوشش گیاهی تقریباً مشابهی را بین دشت خاوه و منطقه میربگ موجب شده است. تفاوت عمده‌ی این دو منطقه در جغرافیای طبیعی است، دشت خاوه دشتی میان‌کوهی و میربگ منطقه‌ای کوهستانی است. دشت خاوه دارای زمستانهای سردتر و تابستانهای گرمتر نسبت به منطقه میربگ است در نتیجه از نظر موقعیت محلی - زیست‌محیطی نسبت به دشت خاوه در منطقه میربگ استقرارهای بیشتر روی تپه ماهورها و داخل دره‌ها واقع شده‌اند. در دشت خاوه استقرارها بیشتر در مزارع و دامنه کوهها واقع شده‌اند.

همجواری استقرارها، رودخانه بیشتر در دشت خاوه و همجواری استقرارها با روستاهای معاصر در منطقه میربگ مشاهده می‌شود (نمودارهای ش ۱ و ۲ بر اساس اطلاعات جداول ۱-۱ تا ۵-۱).

سیر تطور اسکان و الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میربگ

در توصیف استقرارها، دوره‌ها و آثار، استقرارهایی که تنها آثار یک دوره را داشتند به عنوان استقرارهای شاخص دوره‌ها معرفی شدند. مشخصات استقرارهای شاخص دوره‌ها از قدیم به جدید به شرح زیر است:

الف) نوسنگی بی‌سفال: مساحت کمتر از ۲۰۰۰ متر مربع ارتفاع حدود ۳ متر از سطح دشت.

ب) نوسنگی باسفال: مساحت از ۲۰۰۰-۴۰۰۰ متر مربع که محوطه‌اند یا کمتر از ۲ متر ارتفاع دارند.

ج) نوسنگی متأخر: به سه گروه تقسیم می‌شود: ج-۱) مساحت ۲۷۰۰۰ متر مربع مساحت و ارتفاع ۱۶-۱۵ متر (چغا سیفل)

ج-۲) مساحت ۸۰۰۰-۱۰۲۰۰ متر مربع و ارتفاع ۴-۲ متر.

ج-۳) مساحت بین ۲۰۰۰-۴۰۰۰ متر مربع و ۵-۴ متر ارتفاع.

د) دوره‌ی آهن I: سه اثر از پنج استقرار که فقط دارای آثار این دوره بوده‌اند، قبرستان است. این استقرارها از نظر مساحت متفاوتند از ۱۰۸۰۰ تا ۱۴۰۰ متر مربع مساحت و همگی کمتر از ۳ متر ارتفاع دارند.

ه) دوره‌ی آهن II: تنها یک استقرار دارای آثار این دوره بوده که ۲۵۰۰ متر مساحت و ۳/۸ متر ارتفاع دارد.

و) دوره‌ی آهن III: تنها یک استقرار دارای آثار این دوره بوده که ۷۷۰۰ متر مربع مساحت و ۶/۵ متر ارتفاع دارد.

ز) دوره‌ی ماد و هخامنشی: استقرار که به طور قطع دارای آثار این دوره باشد شناسایی نشد.

ح) دوره‌ی پارت: همه تپه‌هایی که فقط آثار این دوره را دارند ۱۰-۵ متر ارتفاع دارند از نظر مساحت به سه گروه تقسیم می‌شوند: ح-۱) استقرارهایی که حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع (یک هکتار) مساحت دارند.

ح-۲) استقرارهایی که بین ۴۰۰۰-۷۷۰۰ متر مربع مساحت دارند.

ح-۳) استقرارهایی که تا ۳۰۰۰ متر مربع مساحت دارند.

ط) دوره‌ی ساسانی: استقراری که بطور قطع دارای آثار این دوره باشد، شناسایی نشد.

ی) استقرارهای دوره‌ی اسلامی همگی روی استقرارهای دوره‌ی قبل بودند، هیچ استقراری که فقط دارای آثار دوره‌ی اسلامی می‌باشد، شناسایی نشد.

دیرپاترین استقرارها متعلق به دوره‌ی نوسنگی بی‌سفال است. سکونت در این دوره فصلی بوده. کاوشهای تپه عبدالحسین نشان داد که لایه‌های اولیه که مربوط به دوره نوسنگی بی‌سفال است فاقد آثار معماری می‌باشد. «لایه‌های قدیمی تدریجاً سه استقرار موقت به دائم را طی کرده‌اند. بقایای جانوری بگونه‌ای نبوده‌اند که بتوان دریافت درچه فصلی و لایه‌های اولیه ساکنین در محل بوده‌اند، اما احتمالاً بهترین فصل تابستان است» (Pullar, 1995). الگوی استقرار دوره‌ی نوسنگی بی‌سفال (نقشه شماره ۲) نشان می‌دهد که استقرارهای دارای آثار این دوره خاصه در دشت خاوه بجز تپه عبدالحسین که فصلی بودن استقرار در آن با

نمی‌توان خاطر نشان کرد ولی می‌توان گفت که دوره‌ی سکونت در طول سال افزایش قابل توجه یافته و از منابع آب و زمینهای حاصلخیز بهره‌برداری می‌شده است.

دوره‌ی نوسنگی متأخر: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۲ مشخص است. این دوره مدت زمانی طولانی را دربر می‌گیرد. ارائه گاهنگاری دقیق و جزئی از این دوره تنها با مطالعات و لایه‌نگاری استقرارهای دارای آثار این دوره ممکن است استقرارهای این دوره ظهور سلسله مراتب (مراکز، اقمار درجه یک و دو) را در این دوره نشان می‌دهند. در اواخر این دوره منطقه از نظر جمعیت اشباع شده و تقریباً تمام مناطق دارای امکانات زیست محیطی قابل بهره‌برداری مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تعداد استقرارها از چهارده استقرار در دوره قبل به بیست و پنج استقرار افزایش یافته است.

ظهور تدریجی سلسله مراتب حاکی از پدید آمدن روستاهای پیشرفته است اما این روستاها هرگز تا همین اواخر تبدیل به شهر نشدند.

دوره آهن I: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۳ مشخص است. شاخص استقرارها مساحت متفاوت ۱۰۸۰۰ تا ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد. همه استقرارهایی که فقط آثار این دوره را دارند کمتر از ۳ متر ارتفاع دارند. این محلها عموماً قبرستانند. هیچ استقراری که فقط آثار این دوره را داشته باشد در منطقه میربگ شناسایی نشد. بر خلاف منطقه میربگ در دشت خاوه الگوی استقرار نسبت به دوره‌ی قبل دگرگون شده است. استقرارهای این دوره در دشت خاوه در

کاوش‌های باستان‌شناسی معلوم شده، دیگر استقرارها در کنار شاخه‌های فصلی رودخانه واقع شده‌اند.

این شاخه‌های فصلی در سالهایی که خشکسالی نیست از حدود اواسط تابستان تا اواسط پاییز خشک‌اند، زمستان سرد منطقه حضور نیمه کوچ نشینانی که در زمان معاصر بین سردسیر (همین منطقه) و گرمسیر (پل دختر) پیشکوه بیلاق و قشلاق می‌کنند. همچنین «مدارک فرهنگی نشان دهنده‌ی دمای یکسان هوا در آخر پلیستوسن و امروز» (Pullar, 1995) به اضافه مساحت (۲۰۰۰ متر مربع) و ارتفاع کم (حدود ۳ متر) استقرارهای شاخص این دوره مبین فصلی بودن استقرارها در این دوره است. دوره نوسنگی با سفال: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۲ مشخص است. شاخص استقرارهای این دوره افزایش مساحت استقرارها (۲۰۰۰-۴۰۰۰ متر مربع) نسبت به دوره قبل است. استقرارهای دوره‌ی قبل که در کنار شاخه‌های فصلی رودخانه بوده‌اند، در این دوره، متروک شده‌اند. تعداد استقرارها از چهار استقرار در دوره‌ی قبل به چهارده استقرار در دشت خاوه و منطقه‌ی میربگ افزایش یافته است. جاگیری استقرارها در موقعیت‌هایی است که همگی به منابع آب دائمی (چشمه یا شاخه دائمی رودخانه) و زمینهای حاصلخیز دسترسی دارند. الگوی استقرارهای این دوره فواصل تقریباً یکسان آنها با یکدیگر را نشان می‌دهد. این الگو نشانگر بهره‌برداری از زمین است و هم نشان دهنده‌ی این احتمال است که هر استقرار مساحت مشخصی از دشت را در اختیار داشته است. در نتیجه اگر چه دائمی شدن استقرارها را با اطمینان

موقعیت‌هایی قرار دارند که در زمان معاصر همگی مزارع دیم‌اند. در موارد زیادی استقرارها از رودخانه فاصله گرفته‌اند. دگرگونی الگوی سکونت می‌تواند نشانگر دو موضوع باشد؛ یکی تغییر در شیوهی معیشت، یعنی کشاورزان دوره‌ی قبل جایگان را به نیمه کوچ نشینان داده‌اند، دومی دگرگونی نوع اسکان یعنی استقرارهای دائمی به فصلی، که البته هر دو با هم نیز ممکن است.

قبرستان بودن سه استقرار از پنج استقرار نیز می‌تواند تأییدی بر مسئله اخیر یعنی تحول توأم معیشت و اسکان باشد. تعداد استقرارها نسبت به دوره‌ی قبل تفاوت چندانی ندارد. ظهور سلسله مراتب بین استقرارها که خصوصیت دوره‌ی قبل بود در پس استقرارهای این دوره مشاهده نمی‌شود.

دوره‌ی آهن II: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۳ مشخص است شاخص استقرارهای این دوره، دارای مساحت ۲۵۰۰ متر مربع و ۳/۸ متر ارتفاع است. بیست استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شده‌اند. الگوی استقرار در این دوره تراکم در منطقه‌ی میربگ و خالی بودن نسبی خاوه، (با وجود تنها سه استقرار) را نشان می‌دهد. جابجایی استقرارها در جاگیری محیط زیست نسبت به دوره‌ی قبل مشاهده می‌شود. استقرارهای دوره‌ی قبل که عمدتاً در مزارع دیم معاصر دشت خاوه پراکنده هستند در این دوره در منطقه میربگ تمرکز یافته‌اند. به نظر می‌رسد حداقل در منطقه میربگ استقرارهای این دوره دائمی‌اند، گرچه تراکم زیاد این استقرارها و ظرفیت زیست‌محیطی کم منطقه‌ی میربگ موجب شک این نظر می‌شود.

دوره‌ی آهن III: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۳ مشخص است. شاخص استقرارهای این دوره ۷۷۰۰ متر مربع مساحت و ۶/۵ متر ارتفاع را نشان می‌دهد. الگوی استقرار همانند دوره‌ی قبل تمرکز در منطقه‌ی میربگ را نشان داده است؛ در این منطقه جابجایی استقرارها نسبت به دوره‌ی قبل مشاهده نمی‌شود؛ اما در دشت خاوه استقرارهای واقع شده از این دوره در تنگه گاماسیاب احتمال وجود ارتباط استراتژیک با گیان و نپاوند را به ذهن متبادر می‌کند. پراکندگی استقرارهای این دوره به صورت خطی غربی شرقی احتمال تأثیرپذیری این الگوی استقرار از روابط برون منطقه‌ای را تداعی می‌کند اما بدون بررسی مناطق همجواری نمی‌توان در مورد این مسئله نظری علمی ارائه داد.

دوره‌ی ماد و هخامنشی: آثاری که بتوان مشخصاً و متمایز از دوره‌ی قبل به این دوره نسبت داد در منطقه شناسایی شده است. این مسئله در جایی است که خانم گاف آثار معماری معبد با آجرهای منقوش از تپه باباجان را به این دوره نسبت داده است (Goff, 1975). ناگفته نماند که احتمال تداوم سنت‌های فرهنگی طی این دوره در منطقه بررسی شده، رد نیست اما بدست آوردن مدارکی که نشانگر آن باشد با توسل به بررسی ممکن نیست. دوره‌ی پارت: پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۴ مشخص است استقرارهای شاخص این دوره همگی بین ۱۰-۵ ارتفاع دارند و از نظر مساحت به سه گروه تقسیم می‌شوند: حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع، ۴۰۰۰-۷۷۰۰ متر مربع و حدود ۳۰۰۰ متر مربع. مساحتها ظهور سلسله مراتب

دوره‌ی اسلامی (قرن ۷-۵): پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۴ مشخص است این دوره نیز استقرار شاخص ندارد. دوازده استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شده‌اند. الگوی استقرار جاگیری استقرارها در موقعیت‌هایی از دشت که مسلط بر منابع آب و زمین حاصلخیز هستند را نشان می‌دهد. احتمال دارد استقرارهای این دوره دائمی باشند، اما اطلاعات بدست آمده از بررسی برای تأیید این نظر کافی نیست.

دوره‌ی اسلامی (قرن ۱۱-۸): استقراری از این دوره در منطقه شناسایی نشد.

دوره‌ی اسلامی (نزدیک به معاصر): پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۴ مشخص است. چهار استقرار دارای آثار این دوره شناسایی شد. این استقرارها پیشینه‌ی بلافصل روستاهای معاصر در منطقه‌ی بررسی شده‌اند. بر اساس اطلاعات روایی که از مصاحبه با اهالی دشت خاوه بدست آمده در حدود یکصد و پنجاه سال پیش ایل فلک‌الدین که نیمه کوچ‌نشین بوده‌اند سکونت گزیده‌اند. در بخش خاوه هنوز هرکدام از روستاها نامی از یکی از تیره‌های این ایل را دارند که نام پسران محمدجان فلک‌الدین بوداند. از نظر جاگیری روستاهای معاصر در محیط زیست، مناسبترین ناحیه از نظر منابع آب و زمین محل دیرپاترین استقرار شناسایی شده یعنی تپه عبدالحسین است. منطقه شمال این تپه محل سکونت نیای بزرگ ایل فلک‌الدین یعنی جان محمد فلک‌الدین دانسته می‌شود.

(مراکز، اعمار درجه یک و دو) را نشان می‌دهد. الگوی استقرار این دوره پراکندگی استقرارها در دشت خاوه و شمال منطقه میربگ است. آثار این دوره از جنوب منطقه‌ی میربگ شناسایی نشده است.

تعداد استقرارها در دوره پارت به یکباره افزایش چشمگیری یافته است. تعداد سی و یک استقرار دارای آثار این دوره در منطقه شناسایی شد. تراکم زیاد و جاگیری استقرارها در محیط زیست احتمال فصلی بودن آنها را بالا می‌برد اما اطلاعات موجود دال بر چنین نتیجه‌گیری کافی نیست.

دوره ساسانی: استقراری که بتوان بطور قطع آن را به این دوره نسبت داد، شناسایی نشد. آثار جاده سنگفرش تنگه‌ی گاو شمار را اشمیت به این دوره نسب کرده است (نوروززاده چگینی، ۱۳۷۲). با شناسایی شدن استقرارهای این دوره در دشت خاوه و منطقه‌ی میربگ نظر نامبرده تزلزل می‌یابد. بر اساس الگوهای استقرار دوره‌های گوناگون آثار خاوه مذکور می‌تواند متعلق به دوره آهن III، ماد و هخامنشی و یا اواسط دوره اسلامی باشد.

دوره‌ی اسلامی (قرن ۴-۱): پراکندگی استقرارهای این دوره در نقشه شماره ۴ مشخص شده است. برای این دوره استقرار شاخص شناسایی نشد. ۱۴ استقرار از این دوره شناسایی شده‌اند. جاگیری این استقرارها در موقعیت‌های دارای آب و زمین حاصلخیز است، احتمالاً این استقرارها دائمی بوده، استفاده‌ی کوچ‌نشینان بطور فصلی از بقیه‌ی دشت رد نیست اما مدارکی هم برای اثبات آن نمی‌توان بدست آورد!

نتیجه گیری

سکونت در دشت خاوه و منطقه میربگ با چهار استقرار فصلی از دوره نوسنگی بی سفال آغاز شده است. جاگیری زیست محیطی سه استقرار از چهار استقرار دوره ی یاد شده در کنار رودخانه ی فصلی بوده که همین استقرارها با دگرگونی الگوی استقرار در دوره ی بعد (نوسنگی باسفال) متروک شده اند. با این پیشینه و الف) جاگیری زیست محیطی استقرارها به گونه ای که به منابع آب دائمی و زمین حاصلخیز تسلط دارند ب) افزایش مساحت استقرارها نسبت به دوره ی قبل و ج) فواصل تقریباً مساوی چهارده استقرار این دوره از یکدیگر در الگوی استقرار که نشانگر نکات زیر است: بهره برداری از زمین و تعیین حدود زمینهای حاصلخیزی که هر کدام مورد استفاده ی استقرار به خصوصی بوده اند می توان نتیجه گرفت که اولاً دوره سکونت در استقرارهای نوسنگی باسفال نسبت به نوسنگی بی سفال افزایش یافته و دوم اینکه احتمالاً شیوه معیشت به صورت کمتر شده نقش گردآوری غذا و بیشتر شدن نقش بهره برداری از زمین و آب (کشاورزی) در دوره نوسنگی باسفال نسبت به نوسنگی بی سفال بوده است.

در دوره ی نوسنگی متأخر اضافه بر افزایش تعدد استقرارها از چهارده به بیست و پنج استقرار تدریجاً سلسله مراتب بین استقرارها ظهور کرده و الگوی استقرار مبین اشباع محیط زیست در اواخر این دوره است چرا که تمام نقاط دارای امکانات (آب دائمی زمین حاصلخیز) مورد بهره برداری قرار گرفته اند.^{۲۸} کاوشهای باستان شناسی در استقرارهای متعلق به اواخر دوره ی نوسنگی متأخر (دوره برنز میانی و

پایانی) و دوره ی آهن I وجود فاصله^{۲۹} بین این لایه ها را نشان می دهد (Gaff, 1969) و سجادی، گزارش منتشر نشده).

در آهن I تعداد استقرارها نسبت به دوره ی قبل تفاوت قابل توجهی نکرده اما جاگیری استقرارها در محیط زیست و الگوی استقرار دگرگون شده: استقرارها از رودخانه فاصله گرفته اند و عموماً در موقعیت هایی واقع شده اند که در زمان معاصر زیر کشت دیم است، سلسله مراتب بین استقرارها مشاهده نمی شود و سه استقرار از پنج استقرار شاخص این دوره قبرستان بوده اند. هر نیک در مورد پشتکوه معتقد است که قبرستانها متعلق به کوچ نشینان است اگر این نظر را پذیرفته و به پیشکوه تعمیم دهیم با عنایت به مقدمات یاد شده نتیجه می شود که اضافه بر تحول شیوه ی سکونت احتمالاً شیوه معیشت هم نسبت به قبل متحول شده یعنی رواج بیشتر زندگی کوچ نشینی نسبت به بهره برداری از زمین های کشاورزی اتفاق افتاده است، دست کم تعدادی از استقرارها فصلی شده اند.

در دوره بعد آهن II، الگوی استقرار تراکم در منطقه میربگ را نشان می دهد تنها سه استقرار را از بیست استقرار این دوره در دشت خاوه است، جابجایی جاگیری استقرارها در محیط زیست مجدداً اتفاق افتاده یعنی استقرارهای این دوره در کنار رودخانه ها واقع شده اند با عنایت به اعتدال آب و هوا در منطقه میربگ و جاگیری استقرارها طولانی شدن دوره سکونت در این دوره نسبت به قبل که بیشتر استقرارها فصلی بوده اند، قطعی است.

در دوره ی آهن الگوی استقرار همانند دوره قبل تمرکز در میربگ را نشان می دهد در دشت

(استقرارهای دائمی) به بیش از صد و پنجاه روستا افزایش یافته است.^{۳۰}

مرور سیر تحول و دگرگونی الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میربگ از قدیم به جدید نشان می‌دهد منطقه یاد شده سه بار از آغاز اولین استقرارهای فصلی دوره‌ی نوسنگی بی‌سفال تا دوره‌ی معاصر سیر زیر را طی کرده است.

(۱) ظهور استقرارهای فصلی

(۲) افزایش تعداد استقرارها همراه با جاگیری در موقعیتهایی از محیط زیست که دارای زمین حاصلخیز و آب دائمی است.

(۳) ظهور سلسله مراتب بین استقرارها و در نهایت خالی شدن منطقه از استقرارهای دائمی.

با توجه به مسائل ذکر شده اکنون دو سوال طرح می‌شود که اولی مبنای تحقیقات آینده و دومی هشدار به مسوولان و برنامه‌ریزان توسعه منطقه است:

(۱) دلایل خالی شدن منطقه از استقرارهای دائمی در چهار برهه‌ی الف) اواخر دوره نوسنگی متأخر ب) پس از دوره‌ی پارت و ج) پس از دوره اسلامی (قرن ۷-۵) چیست؟

(۲) با وجود بالغ بر صد و پنجاه روستای بزرگ و کوچک و یک شهر (نورآباد) معاصر در منطقه یعنی استقرارهای دائمی که دارای سلسله مراتبند آیا منطقه همانند گذشته طی دهه‌های آینده خالی از استقرارهای دائمی خواهد شد؟

یادداشت‌ها

۱ - Jacques Demorgan 2 - Hertzfeld

3 - George Contenqu 4 - Roman Ghirshman

5 - E.F Schmidt

خواه استقرارهای این دوره در تنگ گاماسیاب واقع شده‌اند، پراکندگی استقرارها به صورت خطی غربی - شرقی در دشت خاوه و منطقه‌ی میربگ نشانگر تأثیرپذیری این الگو از روابط برون منطقه‌ای است.

آثاری که بتوان آنها را شاخص دوره‌ی ماد و هخامنشی دانست در منطقه شناسایی نشد. اما تداوم سنتهای فرهنگی دوره‌ی قبل طی این دوره را نمی‌توان رد کرد.

در دوره‌ی پارت که بیشترین تعداد استقرارها متعلق به این دوره است، استقرارهای شاخص ظهور سلسله مراتب را نشان می‌دهد و الگوی استقرار نشانگر تراکم استقرارها در دشت خاوه و شمال منطقه میربگ است. از دوره‌ی ساسانی هم استقراری که دارای آثار شاخص این دوره باشد، شناسایی نشد. در نتیجه احتمالاً منطقه خالی از استقرار دائمی بوده است.

در دوره‌ی اسلامی (قرن ۴-۱) چهار استقرار شناسایی شده از این دوره جاگیری این استقرارها در موقعیتهایی از محیط زیست که دارای آب دائمی و زمین حاصلخیزند، احتمال دائمی بودن آنها را تقویت کرده است. در دوره‌ی اسلامی (قرن ۷-۵) تعداد استقرارها به دوازده استقرار افزایش یافته الگوی استقرار و جاگیری زیست محیطی مشابه دوره قبل است.

در دوره‌ی اسلامی (قرن ۱۱-۸) آثار مشاهده نشده است. احتمالاً منطقه خالی از استقرارهای دائمی بوده است. دوره‌ی اسلامی نزدیک به معاصر مجدداً دارای چهار استقرار می‌باشد. از حدود صد و پنجاه سال گذشته تا حال تعداد روستاها

۲۸- در مورد دائمی بودن استقرارهای این دوره به اطلاعات حاصل از بررسی باستان شناسی و با عنایت به زمستانهای بسیار سرد خاصه در دشت خاوه فعلاً نمی‌توان اظهار نظر کرد.

29 - gap

۳۰- روستاهای زیادی نزدیک به زمان معاصر تخلیه یا جابجا شده‌اند به همین دلیل محاسبه دقیق تعداد روستاها غیر ممکن است.

کتابنامه

- سید سجادی، سید منصور؛ ۱۳۶۲، کاوش در نور آباد لرستان؛ نمونه‌هایی از فعالیتهای پژوهشی، حفظ و احیا و معرفی میراث فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهیه شده در مرکز باستان شناسی ایران، صص ۱۴ و ۱۳.

- سید سجادی، سید منصور و نور علی سامانی؛ ۱۳۷۸، گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد، لرستان؛ باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت الله نکهبان. به کوشش: عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده، صادق ملک شه‌میرزادی؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۳۰_ ۸۵.

- طلائی، حسن؛ ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، تهران، انتشارات سمت.

- گاراژیان، عمران؛ ۱۳۷۸، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی نورآباد لرستان، تهران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان‌شناسی، گزارش منتشر نشده.

- مجیدزاده، یوسف؛ ۱۳۶۷، تاریخ‌گذاری سر سنجاقهای مفرغی لرستان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره اول، سال سوم، پاییز و زمستان.

- نقشه‌های یک پنجاه هزارم سازمان جغرافیای ارتش، شیت‌های

5557 IV 5557 I 5558 III 5558 II
5657 IV 5658 III

۶- شماره ۵۳ روی نقشه شماره ۱ می‌باشد.

7 - stein 8 - Clare Gaff

۹- شماره ۷۳ روی نقشه شماره ۱ می‌باشد.

10 - Judith Pullar

۱۱- نام برده در زمان بررسی‌ها مدیریت میراث فرهنگی استان لرستان را بر عهده داشت از همکاری‌های وی با هیئت بررسی و شناسایی تشکر می‌شود.

۱۲ - به ترتیب کارشناس باستان‌شناس، معاون هیئت و نقشه- بردار و راننده‌ی هیئت که در همین جا از ایشان تشکر می‌شود.

۱۳ - بقایای راهی باستانی کنار رودخانه هنوز مشهود است. این راه احتمالاً همان راهی است که هیئت هلنر آن را بقایای جاده‌ای از دوره ساسانی دانسته‌اند (نوروززاده چگینی: ۱۳۷۲).

۱۴ - در این جداول اضافه بر شماره کد و نام محل موقعیت جغرافیایی و ارتفاع تقریبی از سطح دریا توسط G.P.S برداشت شده که چون دستگاه امکان فارسی نویسی ندارد، کدها دارای به ترتیب حرف اول نام استقرار و شماره محل به انگلیسی است. اندازه‌ها به متر، مساحت به متر مربع و وضع فرسایش و موقعیت محلی با علامت مشخص شده‌اند.
۱۵ - در مواردی که آثار مشکوک و کجوده یا برای نسبت دادن به دوره خاصی کافی نبوده‌اند از علامت «؟» استفاده شده است.

16 - Paleolithic 17 - Musterian

18 - Baradastian 19 - Zarzian

۲۰- این فاصله کمتر از ۱۰۰ کیلومتر است.

21 - Microlith 22 - Cakolithic

23 - Genre Luristan 24 - Clinky

۲۵ - رودخانه خاوه که در دشت خاوه جاری است از شاخه‌های بالایی سمیره است.

۲۶- رودخانه چم زکری که در منطقه میربگ جاری است از شاخه‌های بالایی کشکان رود است.

۲۷- ناگفته پیداست که تنها تعداد کافی نیست بلکه مساحت را هم باید بدان اضافه کرد اما متأسفانه بدلیل وجود آثار دوره‌های مختلف در یک استقرار اندازه‌گیری مساحت هر دوره از طریق بررسی ممکن نیست

half of the thirth millennium B.C, Iranica Antiqua.

- Hodder, Ian and Clive Orton, , Spatial analysis in Archaeology; Cambridge university press, Cambridge.

-Hole, Frank, 1965, Excavations in Khorramabad, report in Archaeological service, Iran-e-Bastan Museum, Tehran, unpublished report of Tranian cultural heritage organization, Tehran, Documentation center, Doc. N⁰28 , Luristan province.,

- Hole, Frank, 1999, Revisting the Neolithic, The Iranian world assays on Iranian Art and Archaeology presented to Ezatollah Negahban, Edited by: Abbas Alizadeh, Yosef Majidzadeh and Sadegh Malek Shahmirzadi, Iran university press, pp. 13-27.

- Mellaart James, 1975, The Neolithic of the Near East, Thames and Hudson, Ltd, London.

- Pullar, Judith, 1990, Tepe Abdul Hosein a Neolithic site in Western Iran, excavations 1978, Bar, International series 563-5, center mead, Osney mead, Oxford, OX 20DQ, England.

-Vandenberge, Louis,1973, Excavations in Luristan, Kalleh Nisar, Bulletin of the Asia Institute of Pahlavi university, Shiraz, pp. 25-56.

-Zagarell, Allen, Bakhtiari archaeological Finds; <http://lab2.cc.wmich.edu/~zagarell/arcbakh.htm>.

- نوروززاده چگینی، ناصر؛ ۱۳۷۲، هیئت هلمز،

نخستین فعالیتهای باستان‌شناسی در لرستان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره اول و دوم (پیاپی ۱۳ و ۱۴)، سال هفتم، صص ۹۷-۱۱۴.

- هول، فرانک؛ ۱۳۷۸، جنبه‌های بین منطقه‌ای دوران

نوسنگی پیش از سفال و آغاز سفال خوزستان، ترجمه:

محمد، تمدن، باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، به کوشش: عباس‌علیزاده، یوسف مجیدزاده، صادق‌ملک‌شهمیرزادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۵-۲۰.

- Conteanau, Georges and Roman Ghirshman; 1935, Fouilles de Tepe Giyan, pres de Nehavand Libraire Orientaliste Paul Geuthner, paris.

- Drewett, L.Peter. 1999, Field Archaeology, An Introduction, university College London (U.C.L) press, Lodon.

- Flannarykent, V and Joyce, Marcus, 1996, Cognitive archaeology, Reading theories in Archaeology, R. Whitley, Rotherdge, England.

- Goff Mead, Clare, 1969, Excavations at Babajan Tepe, 1967, Second preliminary report, Iran, 7, pp. 130-195.

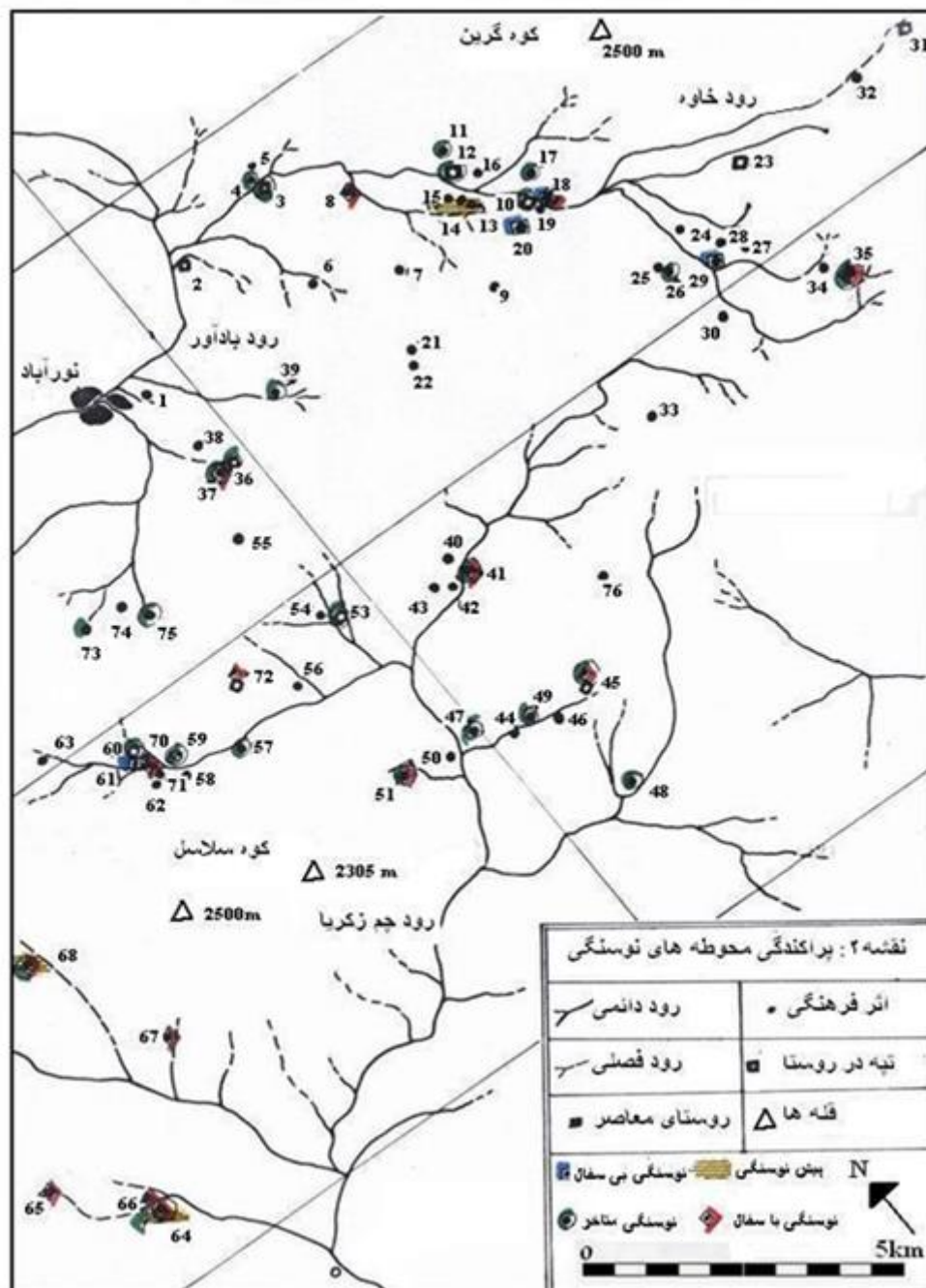
- Goff Mead, Clare, 1970, Excavations at Babajan Tepe, 1968, Third preliminary report, Iran, 8, pp. 141-156.

- Goff Mead, Clare, 1968, Luristan in the first half of the first Millennium B.C, A preliminary report on the first seasons Excavations at Babajan and associated surveys in the Easter pish-ikuh, Iran, 6, pp. 105-134.

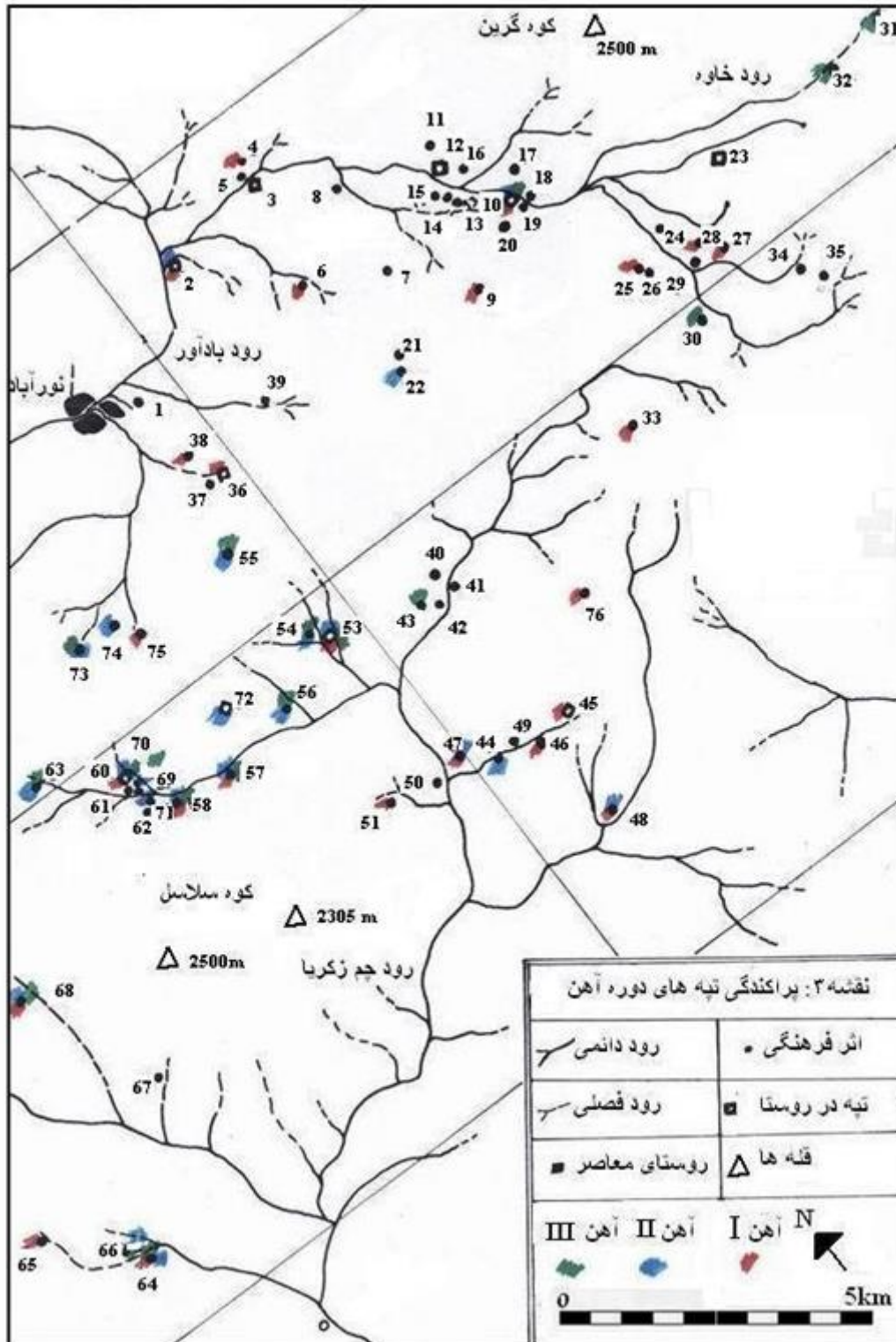
- Haerink, Erni, 1986, The chronology of Luristan pushte kuh in the late fourth and first



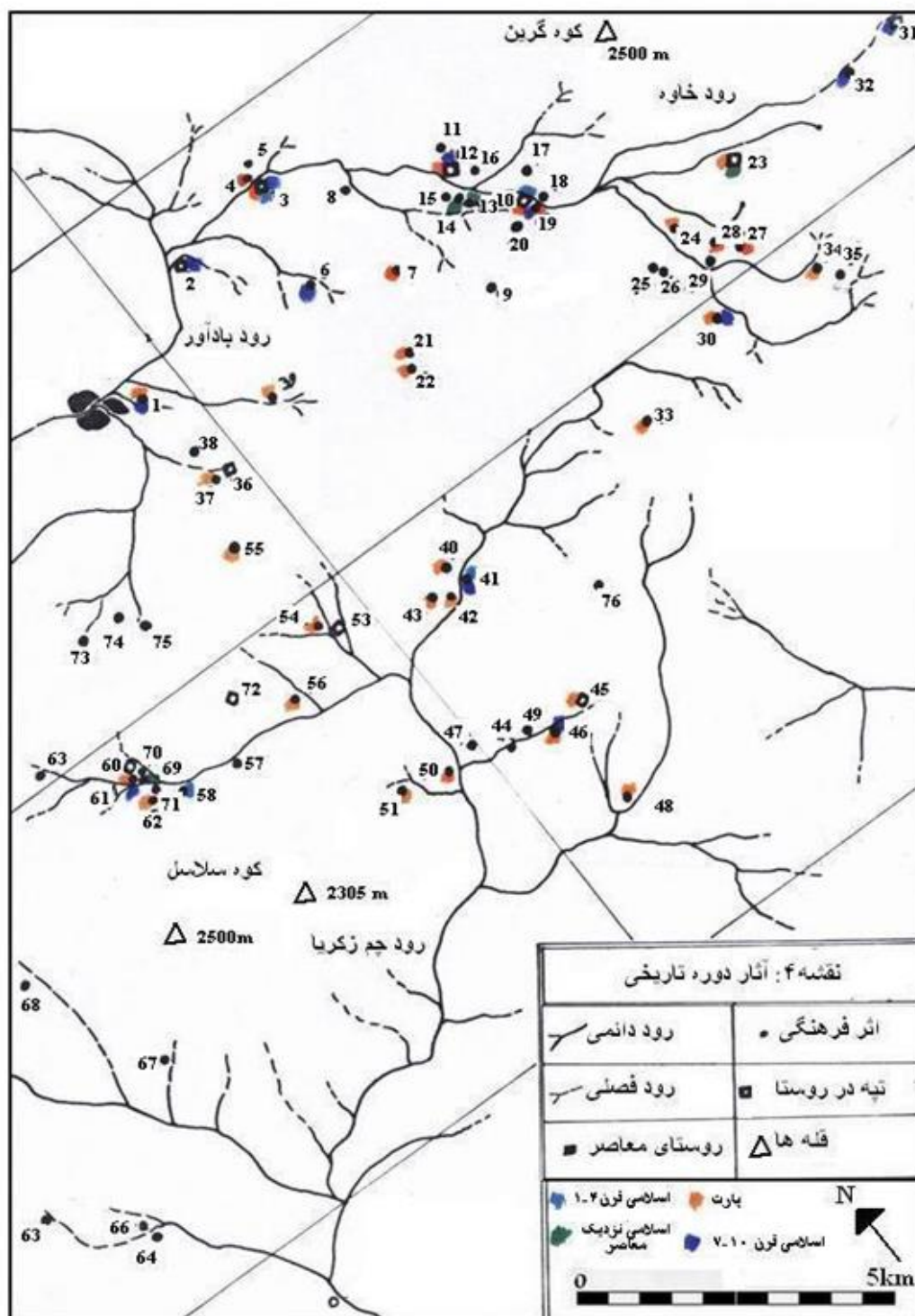
نقشه ۱: محدوده‌ی بررسی شده



نقشه ۲: پراکندگی محوطه‌های نوسنگی



نقشه ۳: پراکندگی تپه‌های دوره آهن



نقشه ۴: آثار دوره تاریخی

جدول ۱-۱: مشخصات و موقعیت محوطه‌های شناسایی شده. * ارتفاع به متر از سطح دشت

شماره	نام	طول	عرض	مساحت	ارتفاع*	موقعیت طبیعی	توضیحات
Kh1	خلیفه آباد	۷۰	۵۰	۳۵۰۰	۸	روی تپه ماهور	
Z2	زالی دواب	۵۰	۴	۴	۷	روی تپه و کنار رود	
K3	کفراج	۱۵۵	۱۶۰	۲۴۸۰۰	۲۰	میان روستا	
Ch4	چغاکیبود	۷۰	۶۰	۴۲۰۰	۶-۵	در مزرعه	
B5	بی نام	۳۵	۴۰	۱۴۰۰	۱/۵	روی تپه و میان روستا	
Sh6	شریف	۱۰۰	۷۰	۷۰۰۰	۵	در مزرعه	
C7	سپیدمینی	۶۰	۵۰	۳۰۰۰	۶	در مزرعه و کنار رود	
Q8	قبرستان زمانه	۵۴	۷۱	۳۸۳۴	۲	در مزرعه	قبرستان معاصر
B9	بی نام	۷۰	۱۰۰	۷۰۰۰	۳	روی تپه، کنار رود و در روستا	
G10	گندمیان (جمشیدی)	۹۰	۷۰	۶۳۰۰	۱۸	در مزرعه	بوسیله گیرشمن حفاری شده
Chq11	چغاقنیر	۱۲۰	۸۵	۱۰۲۰۰	۲/۵	در مزرعه	
Z12	زلیوا	۱۳۰	۱۱۰	۱۴۳۰۰	۴	کنار رود و میان روستا	تقریباً زیر روستاست
B14	بی نام	۶۵	۴۰	۲۶۰۰	۳	کنار رود	
Zq15	قبرستان زلیوا	۷۰	۶۰	۴۲۰	۵	کنار رود	قبرستان معاصر
Ch16	چاروره	۳۰	۵	۱۵۰	۳	در مزرعه	
C17	چغاسیقل	۲۰۰	۱۳۵	۲۷۰۰۰	۱۶-۱۵	در مزرعه و کنار رود	
E18	عبدالحسین	۷۵	۴۵	۳۳۷۵	۶/۵	کنار رود	بوسیله ج. پولار حفاری شده
Ch19	چمه لر	۸۰	۸۰	۶۴۰۰	۳/۵-۵	کنار رود و در روستا	
M20	محمدعلی	۵۰	۴۰	۲۰۰۰	۳	در مزرعه	

جدول ۱-۲: مشخصات و موقعیت محوطه های شناسایی شده.

* ارتفاع به متر از سطح دشت

شماره	نام	طول	عرض	مساحت	ارتفاع *	موقعیت طبیعی	توضیحات
Sh21	قبرستان شکری	۱۱۰	۷۰-۶۰	۷۷۰۰	۴	در مزرعه	
B22	بی نام	۴۰	۲۷	۱۰۸۰	۲	در مزرعه	
Br23	برهما	۷۰-۶۰	۵۰-۴۰	۳۵۰۰	۶	میان روستا	
A24	عباس بگی	۶۰	۴۵	۲۷۰۰	۶	در مزرعه	
Chg25	چغاگلور	۶۰	۶۰	۳۶۰۰	۱/۴	در مزرعه	
Chd26	چغادیمه	۶۰	۶۰	۳۶۰۰	۵	در مزرعه	
Cht27	چغاناتاج امیر	۲۰۰	۱۵۰	۳۰۰۰۰	؟	روی تپه ماهور و دامنه کوه	
T28	محوطه تاج امیر	؟	؟	؟	محوطه	در مزرعه	
N29	نعمت الهی	۲۵	۳۵	۸۷۵	۳	کنار رود، در دره و دامنه	
Cb30	سه برادران	۳۰۰	۲۰۰	۶۰۰۰	محوطه	کنار رود و در دره	
Sh31	شاه آباد	؟	؟	؟	محوطه	میان روستا	
M32	ملوس	۱۱۰	۷۰	۷۷۰۰	۶/۵	در مزرعه	قبرستان معاصر
S33	سنگر	۵۵	۶۵	۳۵۷۵	۶/۸-۵	روی تپه و دامنه	
Cht34	چغاتفقی	۴۵	۹۵	۴۲۷۵	۷/۱۰-۵	در دره	
Q35	قبرستان خسرویگ	۴۰	۵۰	۲۰۰۰	؟	در مزرعه و دامنه	قبرستان معاصر
M36	مرداويز	۵۵	۱۱۰	۶۰۵۰	۸	میان روستا	
Qb37	قوربجو	۷۵	۷۰	۵۱۵۰	۱-۱/۵	روی تپه ماهور	
Qm38	قبرستان مرادآباد	۹۰	۱۱۰	۹۹۰۰	؟	دره دره	
H39	حسین	۹۰	۸۵	۷۲۴۵	۱۴	روی تپه	
Chf40	چغافهاد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰۰	۶	در مزرعه و در دره و کنار رود	قبرستان معاصر
Chq41	چغاقمر	۸۲	۶۴	۵۳۱۲	۹-۶	در دره	
Chd42	چغادرگاه	۸۰	۹۰	۷۲۰۰	۷	در مزرعه و روی تپه	

جدول ۱-۳: مشخصات و موقعیت محوطه های شناسایی شده.

* ارتفاع به متر از سطح دشت

شماره	نام	طول	عرض	مساحت	ارتفاع *	موقعیت طبیعی	توضیحات
Qn43	قبرستان نصرت آباد	۱۴۰	۷۵-۷۰	۱۰۵۰۰	۶-۵	روی تپه و در مزرعه	
Z44	زردآلو	۵۰	۵۰	۲۵۰۰	۳/۸	کنار رود و در مزرعه	
Cha45	علی آباد	۷۵	۷۰	۵۱۵۰	۷-۶	روی تپه و در دامنه	
Ch46	چغاچمن	۹۰	۹۲	۸۲۸۰	۱	در مزرعه و در دره	
Chb47	چغایی بی	۶۰	۶۰	۳۶۰۰	۲/۵	کنار رود و تپه	
K48	کرناچیا	۲۵۰	۲۳۰	۵۷۵۰۰	۳/۵	در مزرعه	
M49	چغامولا	۷۵	۳۰	۲۲۵۰	۵-۴	در مزرعه و کنار رود	
B50	بی نام	۵۵	۱۸۰	۹۹۰۰	۲-۲/۵	در مزرعه و کنار رود	
K51	خرم چیا	۱۲۵	۱۴۴	۱۸۰۰۰	۷/۱۶-۵	در دره روی تپه و روستا	
Tg52	تنگ گاو شمار	-	-	-	-	در دره و کنار رود	بقایای راهی باستانی
Sh53	شهن آباد	۹۰	۱۳۰	۱۱۷۰۰	۹	در دره و کنار رود	
H54	همت آباد	؟	؟	؟	؟	در دره و میان روستا	آثار بسیار پراکنده
D55	دم بره	۶۵	۵۰	۳۲۵۰	۳	روی تپه و در دره	
Kh56	قیاس	؟	؟	؟	محوطه	روی تپه	آثار پراکنده
G57	گوهر گوش	۱۳۰	۱۴۳	۱۸۵۹۰	۲۵-۷	کنار رود و در مزرعه	در شیب
H58	حسن گاو یار	۱۲۵	۱۱۰	۱۳۷۵	۲۱-۱۰	روی تپه و در مزرعه	قبرستان معاصر
M59	میروزلان	۸۰	۱۴۰	۱۱۲۰۰	۴/۵	در مزرعه	
W60	ورشون	۱۲۵	۱۲۰	۱۵۰۰۰	۱۸-۶	روی تپه و کنار رود	در شیب

جدول ۱-۴: مشخصات و موقعیت محوطه های شناسایی شده.
* ارتفاع به متر از سطح دشت

شماره	نام	طول	عرض	مساحت	ارتفاع*	موقعیت طبیعی	توضیحات
G61	کلباخی	۶۲	۵۵	۳۴۱۰	۶-۵/۷	کنار رود و در مزرعه	-
G62	کلور کوه	۴	۴	۴	محوطه	در مزرعه	قبرستان باستانی
Ch63	چال سی	۴	۴	۴	محوطه	در دره و در مزرعه	-
D64	دوری جار	۵۸۰	۱۲۰	۶۹۶۰۰	۱۹	در دره و روی تپه	-
K65	چیا کونون	۴۵	۶۰	۲۷۰۰	۵/۵	در دره و میان روستا	-
N66	چیانورکه	۴۰	۵۰	۲۰۰۰	۲	کنار رود و روی تپه	-
D67	دولید	۲۰۰	۴۵	۹۰۰۰	محوطه	کنار روستا و روی تپه	-
M68	مومن زمین	۹۰	۹۰	۸۱۰۰	۶-۵	در دره و دامنه	-
B69	مقبره بابای بزرگ	۴	۴	۴	۲/۳-۵	کنار روستا	-
S70	سنکر	۶۰	۶۰	۶۴۰۰	۴	در مزرعه	-
A71	اشرف آباد	۱۴۰	۱۰۰	۱۴۰۰۰	۶/۷-۵	در مزرعه، کنار روستا و روی تپه	-
Kh72	خانلر	۹۰	۶۰	۵۴۰۰	۱۰	در دره و روستا	-
B73	باباجان	روی ارتفاع طبیعی	-	-	۳/۵-۵	در مزرعه و کنار روستا	حفاری توسط گاف مید
L74	لکه بیگی	۷۰	۸۰	۵۶۰۰	۶	کنار روستا و روی تپه	-
D75	دره دیمه	۷۰	۱۲۰	۸۴۰۰	۳/۵	در مزرعه و در دره	-
B76	بی نام	۱۲۰	۹۰	۱۰۸۰۰	۴	در مزرعه و روی تپه	-

جدول ۲-۱: گاهنگاری محوطه های شناسایی شده.

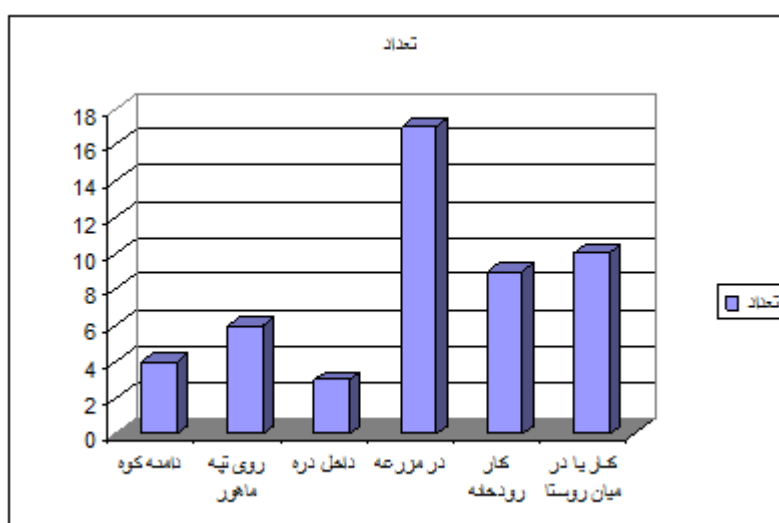
شماره	نام	پ.نوسنگی	نوسنگی	مس-سنگی	برنز	آهن	تاریخی	اسلامی	داده‌ها
A24	عباس بکی	-	-	-	-	-	پارت	-	سفال
B14	بی نام	-	-	-	-	-	-	-	سفال
B22	بی نام	-	-	-	۴	II	پارت	-	سفال
B5	بی نام	-	-	-	اواخر برنز	II, III?	-	-	سفال
B9	بی نام	-	-	-	اواخر برنز	I, II, III	پارت	-	سفال
Bf25	برهما	-	-	-	-	-	پارت	نزدیک معاصر	سفال و ابزار سنگی
C17	چغاسیف	-	با سفال	-	برنز	I, II?	-	-	سفال
C7	سیصدمنی	-	-	-	برنز	-	پارت	-	سفال
Ch16	چاروره	-	۴	-	-	-	-	-	سفال ابزار سنگی
Ch4	چغاکبود	-	-	مس-سنگی	برنز	I?	پارت	-	سفال و ابزار سنگی
Chg2	چغا کلور	-	-	-	برنز	-	-	-	سفال
Ch11	چمه لر	-	-	-	-	-	پارت	قرن ۵ و ۶	سفال و ابزار سنگی و ابسیدین
Chq1	چغاقبر	-	۴	مس-سنگی	-	-	پارت	-	سفال
E18	عبدالاحسین	-	بی سفال و با سفال	-	-	-	-	-	سفال و ابزار سنگی و ابسیدین
G10	گندیمان (جمشیدی)	-	-	مس-سنگی	برنز	-	-	-	سفال ابزار سنگی و آثار معماری، یک صدف
K3	کفراج	-	-	-	برنز	I?	پارت	قرن ۷ و ۵	سفال، آثار معماری و شیشه و ظرف سنگی
Kh1	خلیفه آباد	-	با سفال؟	مس-سنگی	-	-	پارت	قرن ۵	ابزار سنگی و سفال
M20	محمدعلی	-	بی سفال و با سفال	-	-	-	-	-	سفال
Q8	قبرستان زمانه	-	با سفال	اوایل مس-سنگی	۴	I?	-	-	سفال ابزار سنگی
Sh21	قبرستان شکری	-	-	-	-	II?	پارت	-	سفال و ابزار سنگی
Sh6	شریف	-	۴	-	۴	III?	-	قرن ۶ و ۵	سفال، ابزار سنگی و آثار معماری
Z12	زلیوا	-	اواخر نوسنگی	مس-سنگی	-	-	-	قرن ۷-۵	سفال ابزار سنگی و پیکرک
Z2	زالی دواب	-	-	مس-سنگی	برنز	II	-	قرن ۷-۵	سفال
ZQ15	قبرستان زلیوا	-	۴	مس-سنگی	-	-	-	قرن ۳-۱	سفال ابزار سنگی

جدول ۲-۲: گاهنگاری محوطه‌های شناسایی شده.

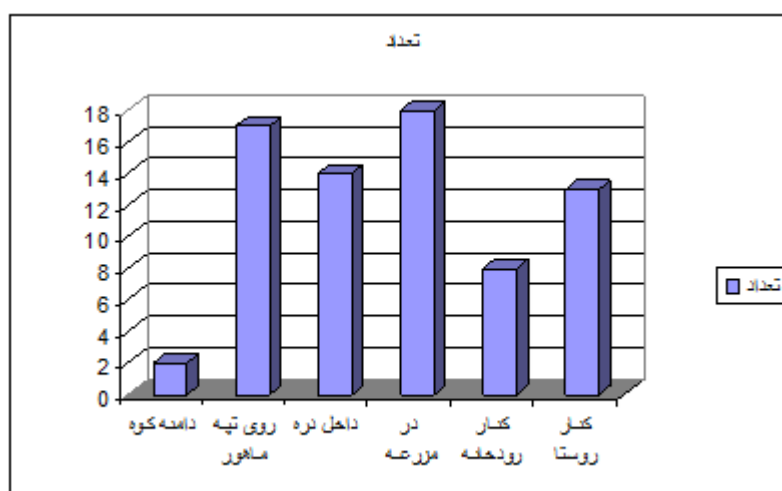
شماره	نام	پ،نوسنگی	نوسنگی	مس-سنگی	برنز	آهن	تاریخی	اسلامی	داده ها
Chd26	چغادیمه	-	با سفال	مس-سنگی	-	آهن	-	-	سفال
Cht27	چغاتاج امیر	-	-	-	-	-	-	-	سفال و ابزار سنگی
T28	محوطه تاج امیر-	-	با سفال	-	-	I	پارت	-	سفال و ابزار سنگی و سنگی با سوراخ در وسط
N29	نعمت الهی	-	سفال و با سفال	-	-	-	-	-	سفال و ابزار سنگی و آثار معماری و فلز
Cb30	سه برادران	-	-	-	-	آهن	پارت	قرن ۵ و ۶	سفال و ابزار سنگی
Sh31	شاه آباد	-	با سفال	؟	-	آهن	-	قرن ۳-۱	سفال و آثار معماری
M32	ملوس	-	اواخر نوسنگی	اوایل مس-سنگی	-	-	-	قرن ۳-۱	سفال
S33	سنگر	-	-	-	برنز	I,II?	-	-	سفال
Cht34	چغاتفی	-	-	-	-	-	پارت	-	سفال
Q35	قبرستان خسروینگ	-	با سفال	مس-سنگی	برنز	-	پارت	-	سفال و ابزار سنگی
M36	مرداویز	-	-	مس-سنگی	برنز	I,II?	-	-	سفال و ابزار سنگی
Qb37	قوربجو	-	با سفال	مس-سنگی	برنز	-	پارت	-	سفال و ابزار سنگی
Qm38	قبرستان مرادآباد	-	-	-	-	III	-	-	سفال
H39	حسین	-	با سفال	مس-سنگی	برنز	I	پارت	-	سفال و صدف
Chf40	چغافرهاد	-	-	-	-	-	پارت	-	سفال و ابزار سنگی
Chq41	چغاقمر	-	با سفال	مس-سنگی	برنز	آهن	-	قرن ۴ و ۱ و ۷-۵	سفال
Chd42	چغادرگاه	-	-	-	-	-	پارت	-	سفال و ابزار سنگی و جوش کوره
Qn43	قبرستان نصرت آباد	-	-	-	-	III	پارت	-	-
Z44	زردآلو	-	-	-	برنز	II, III?	-	-	سفال و فلز
Cha45	علی آباد	-	با سفال	مس-سنگی	برنز	I,II	پارت	-	سفال و شیشه
Ch46	چغاجمن	-	-	مس-سنگی	برنز	I	پارت	قرن ۵ و ۶	سفال و ابزار سنگی
Chb47	چغابی بی	-	با سفال	مس-سنگی	برنز؟	I,II,II I?	-	-	سفال و ابزار سنگی و فلز
K48	کرناچیا	-	با سفال	-	برنز؟	-	پارت	-	سفال و ابزار سنگی

جدول ۲-۴: گاهنگاری محوطه‌های شناسایی شده.

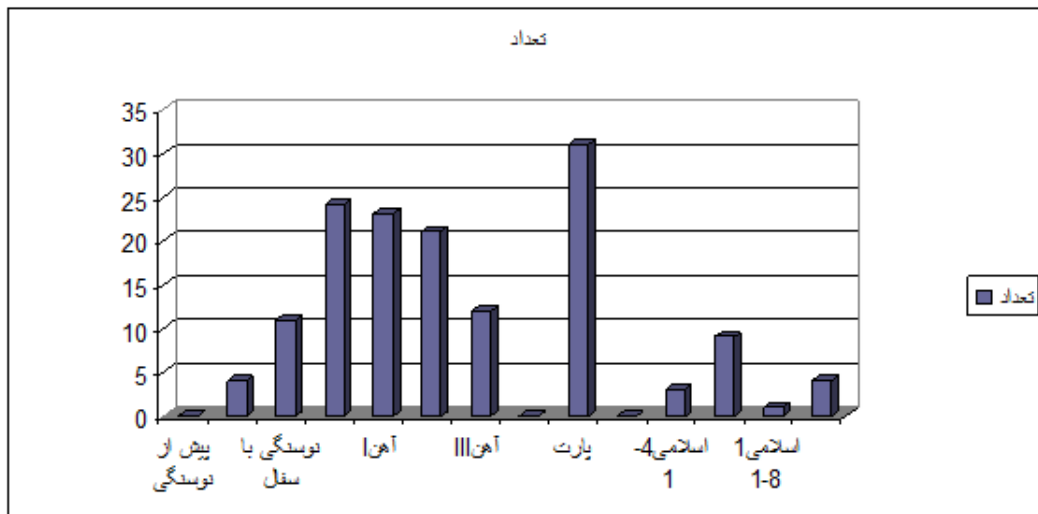
شماره	نام	پ.نوسنگی	نوسنگی	مس-سنگی	برنز	آهن	تاریخی	اسلامی	داده ها
Kh72	خانلر	-	با سفال	-	-	-	-	-	سفال و ابزار سنگی و استخوان
B73	باباجان	-	-	مس-سنگی	برنز	-	-	-	سفال
L74	لکه بیگی	-	-	-	-	آهن؟	-	-	سفال
D75	دره دیچه	-	-	-	برنز	I,II?	-	-	سفال و ابزار سنگی
B76	بی نام	-	-	-	برنز	آهن	-	-	سفال و ابزار سنگی



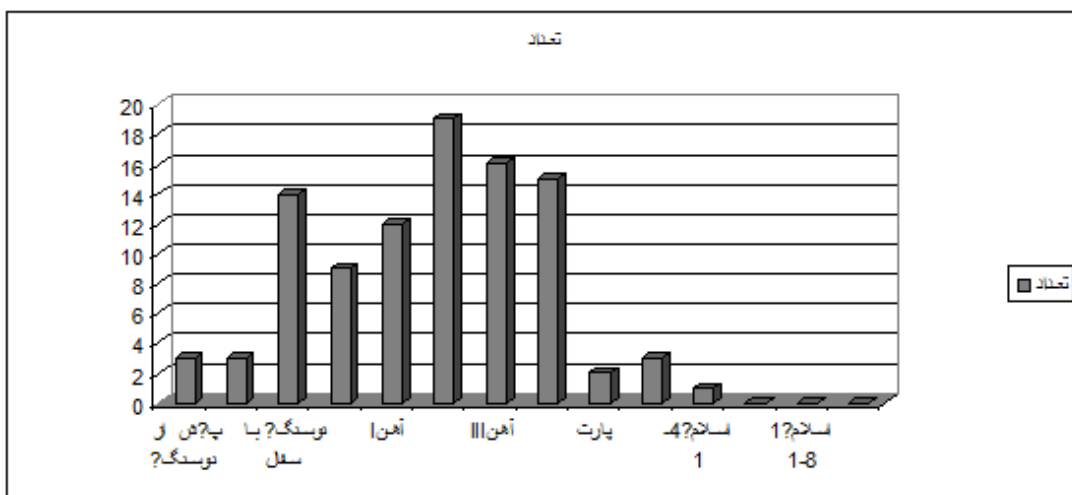
نمودار ۱: موقعیت محلی-زیست محیطی استقرارهای دشت خاوه



نمودار ۲: موقعیت محلی-زیست محیطی استقرارهای منطقه میربگ

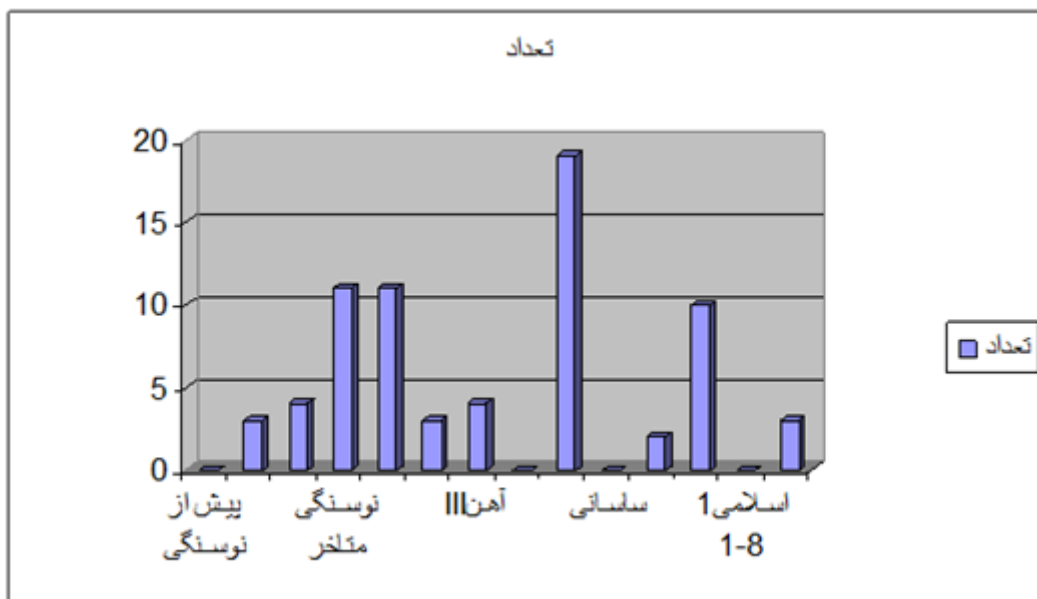


نمودار ۳: تعداد استقرارها در دوره های گوناگون در دشت خاوه و منطقه میربگ

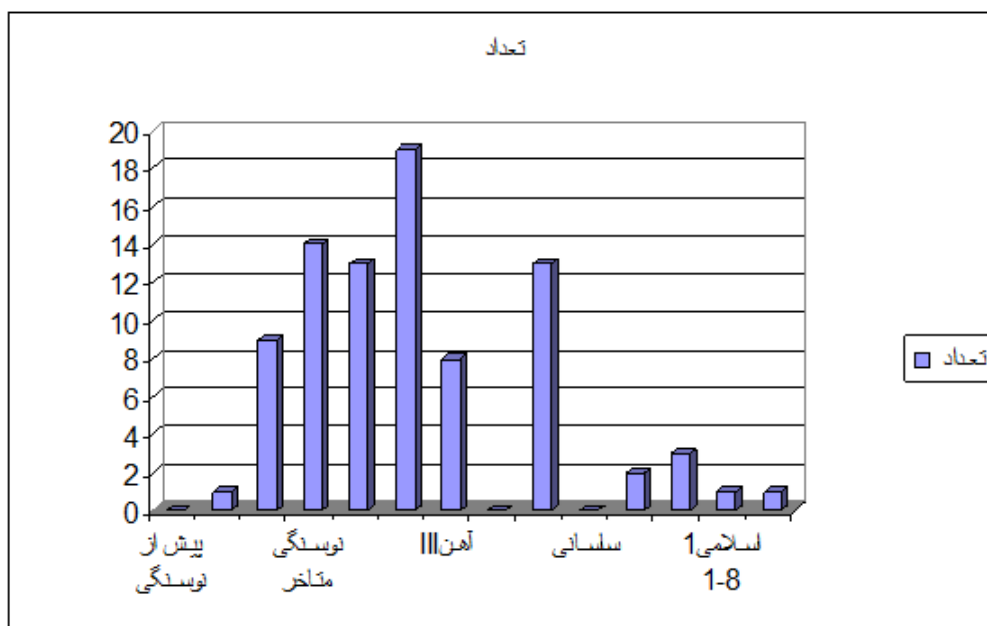


نمودار ۴: تعداد استقرارهای دشت خاوه و منطقه میربگ که وجود آثار دوره های یاد شده در آن احتمالی است (علامت؟ در جداول

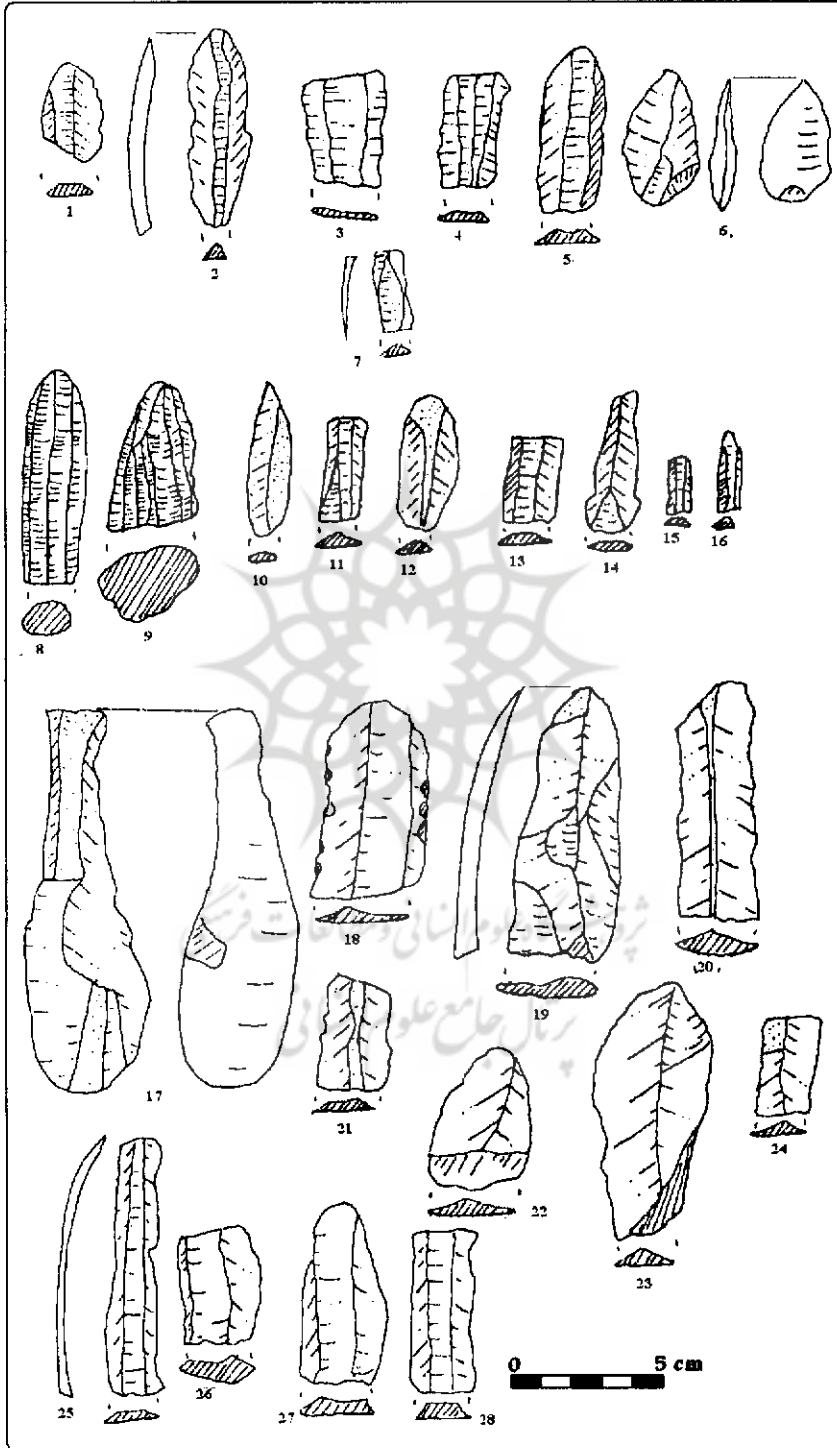
۲-۱ و ۲-۵)



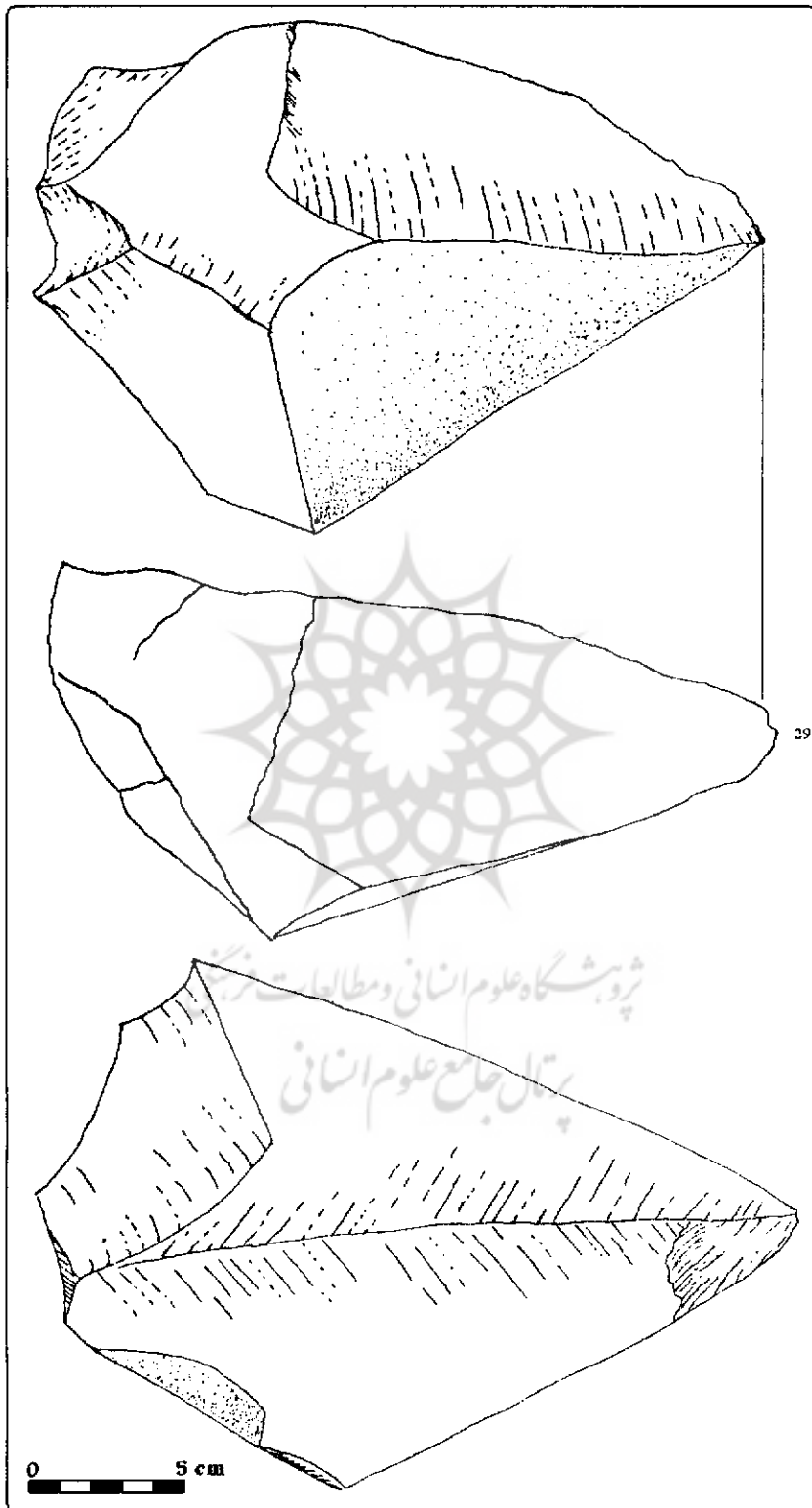
نمودار ۵: تعداد استقرارهای دشت خاوه در دوره‌های گوناگون



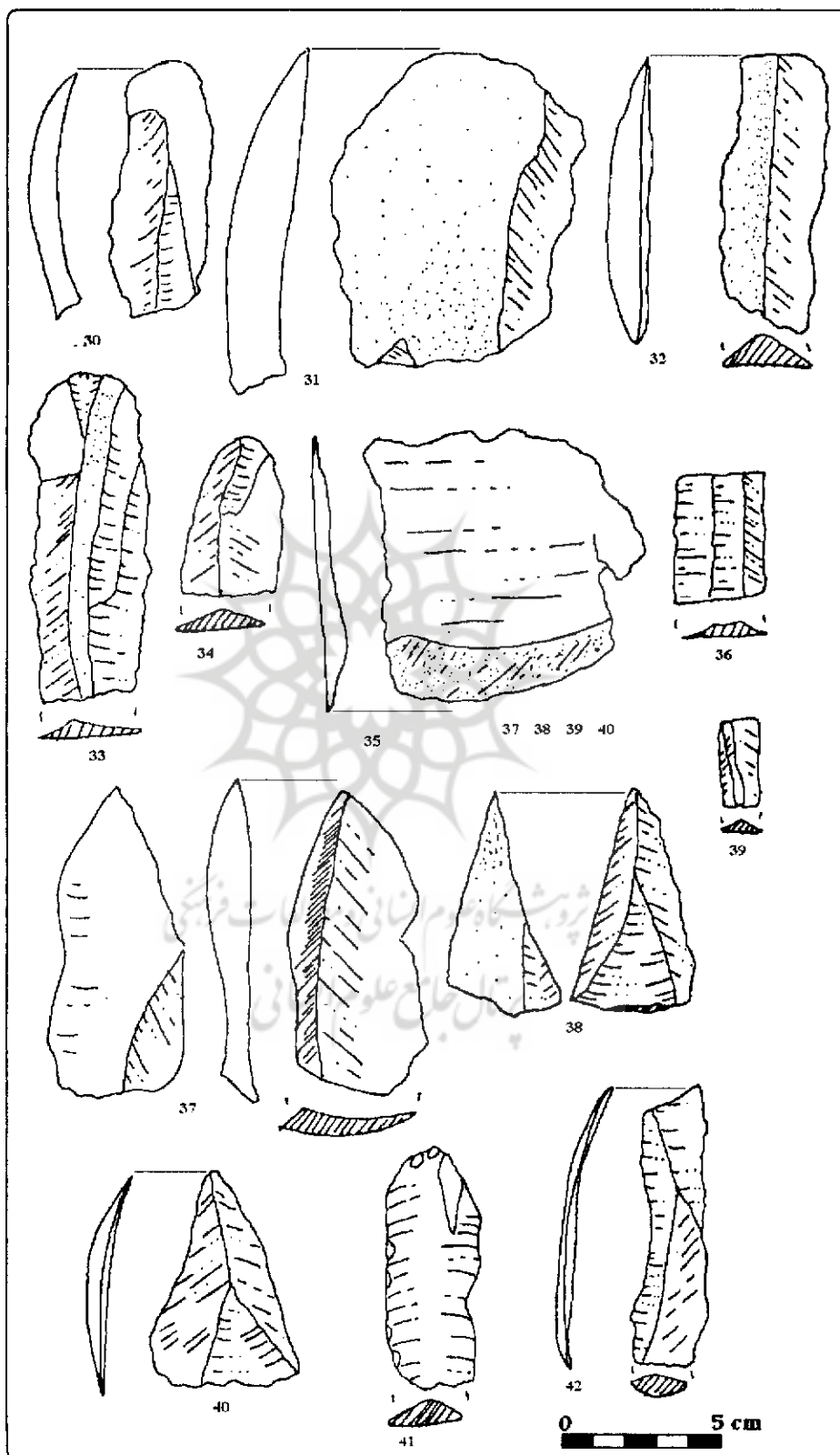
نمودار ۶: تعداد استقرارهای منطقه میربگ در دوره‌های گوناگون



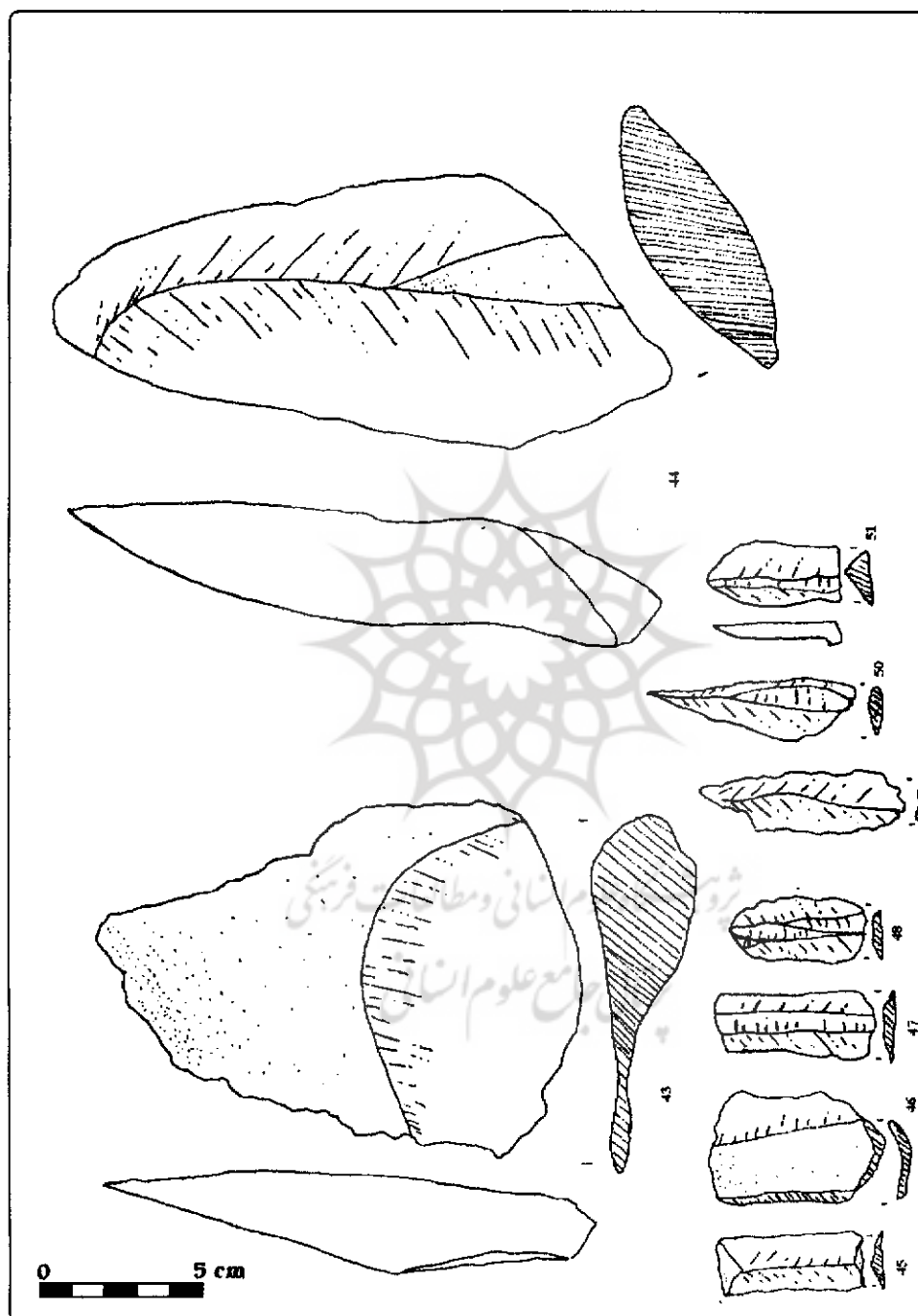
طرح ۱: نمونه‌هایی از ابزارهای سنگی طراحی شده (به شماره طرح هر یک از ابزارها در متن ارجاع داده شده)



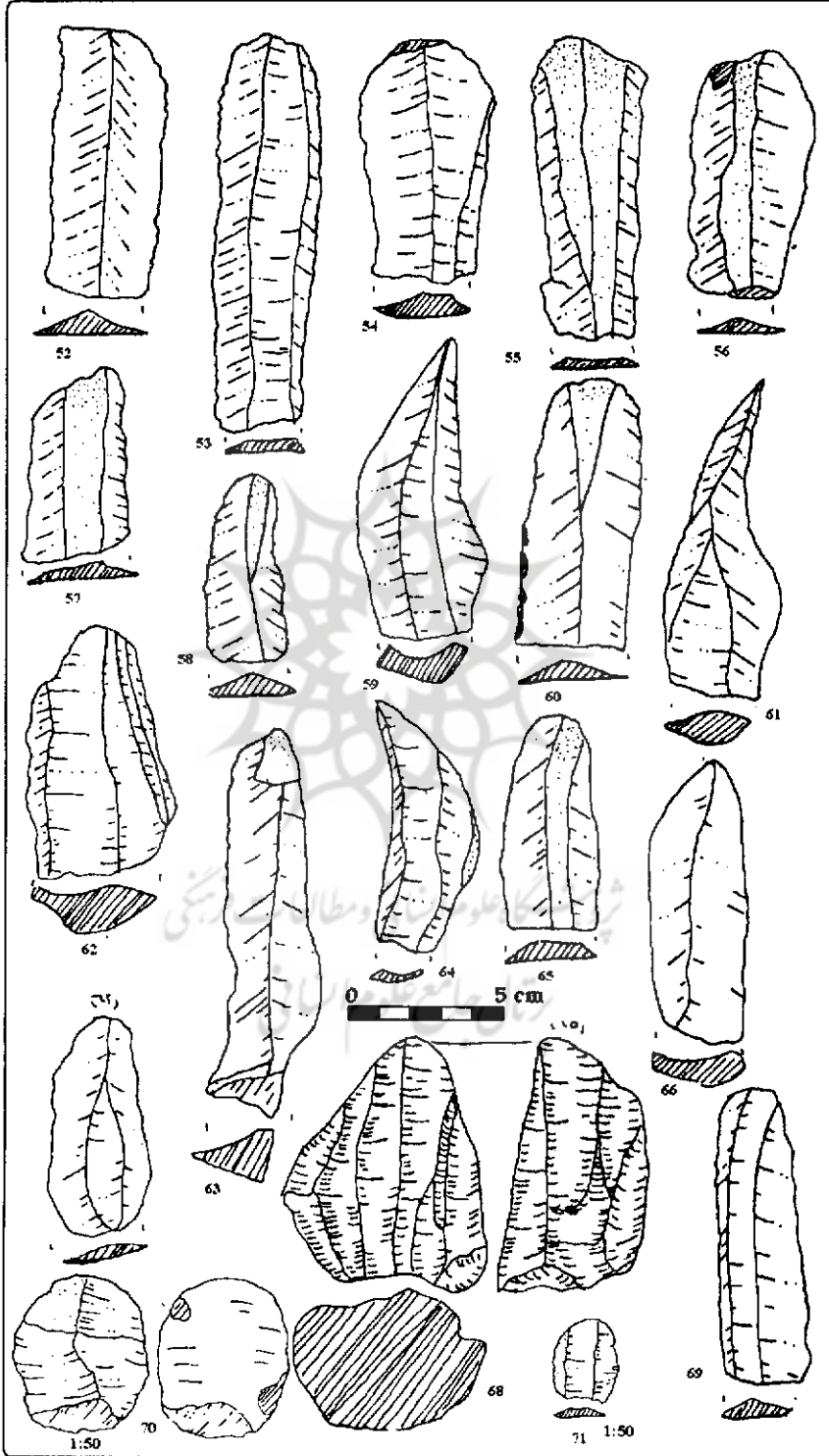
طرح ۲: نمونه‌هایی از ابزارهای سنگی طراحی شده (به شماره طرح هر یک از ابزارها در متن ارجاع داده شده)



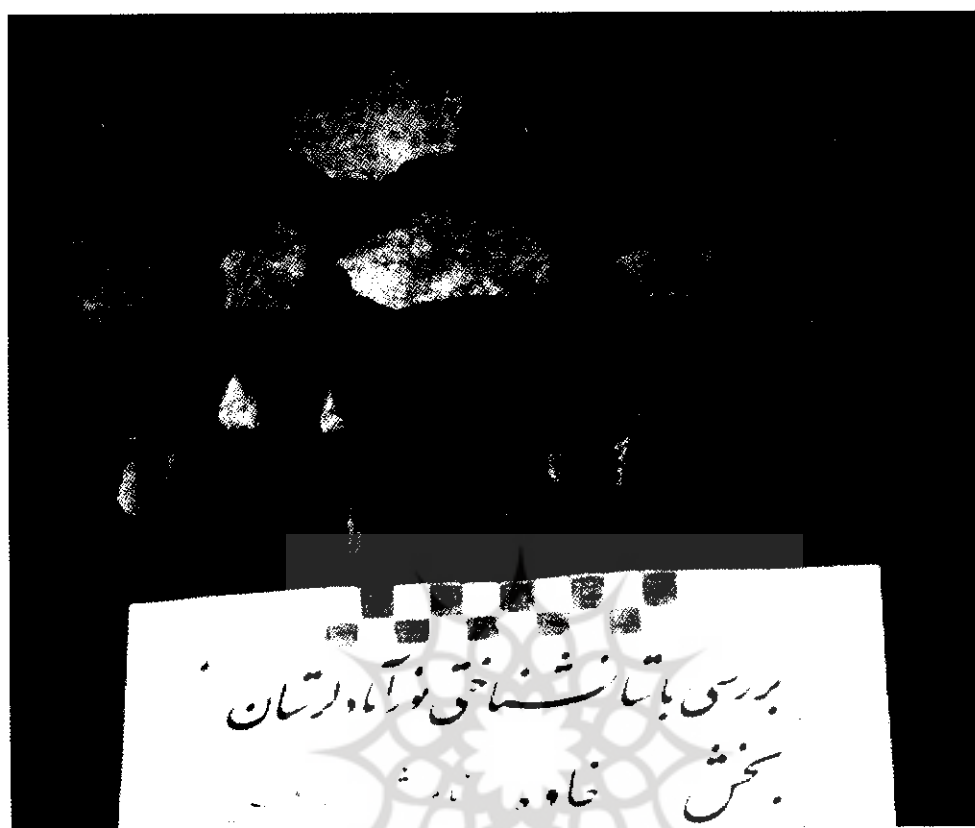
طرح ۳: نمونه‌هایی از ابزارهای سنگی طراحی شده (به شماره طرح هر یک از ابزارها در متن ارجاع داده شده)



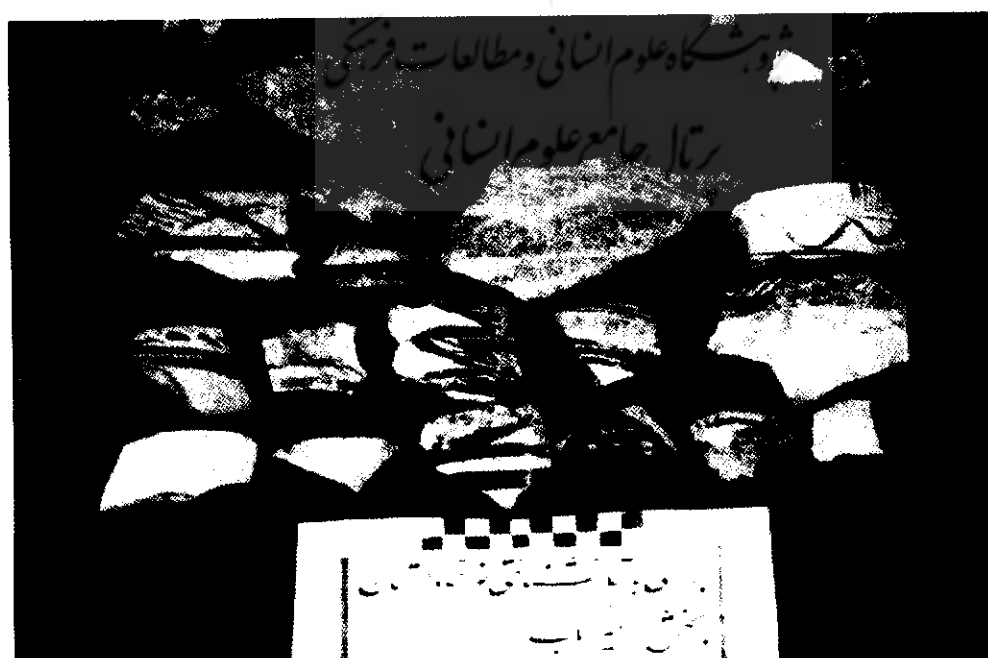
طرح ۴: نمونه‌هایی از ابزارهای سنگی طراحی شده (به شماره طرح هر یک از ابزارها در متن ارجاع داده شده)



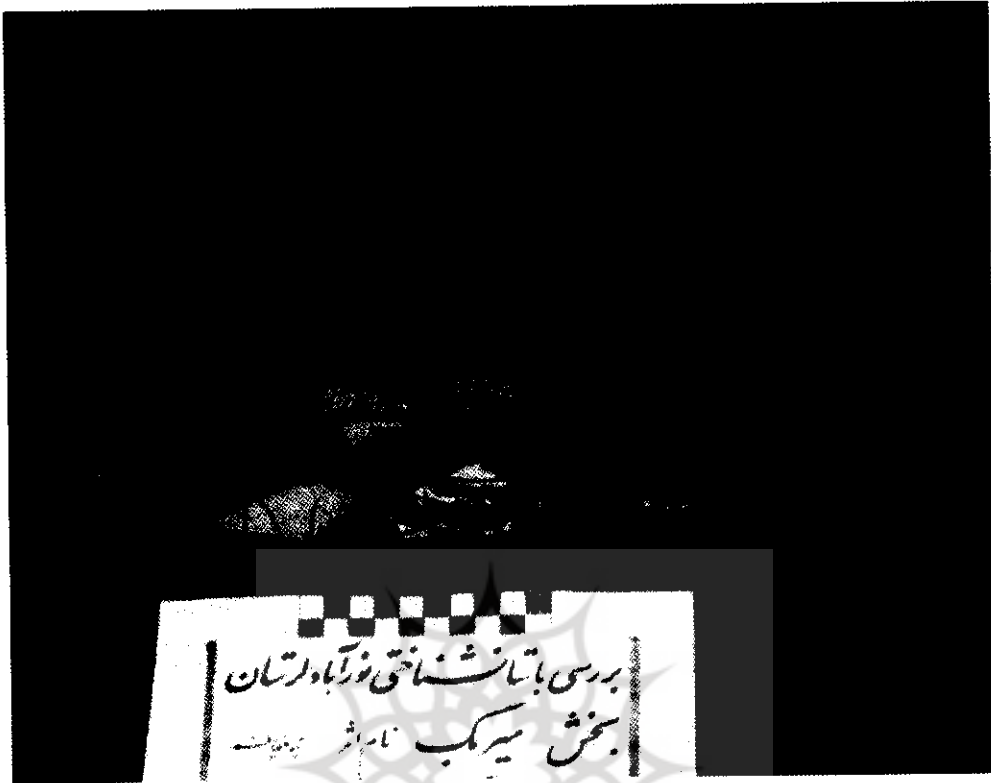
طرح ۵: نمونه‌هایی از ابزارهای سنگی طراحی شده (به شماره طرح هر یک از ابزارها در متن ارجاع داده شده).



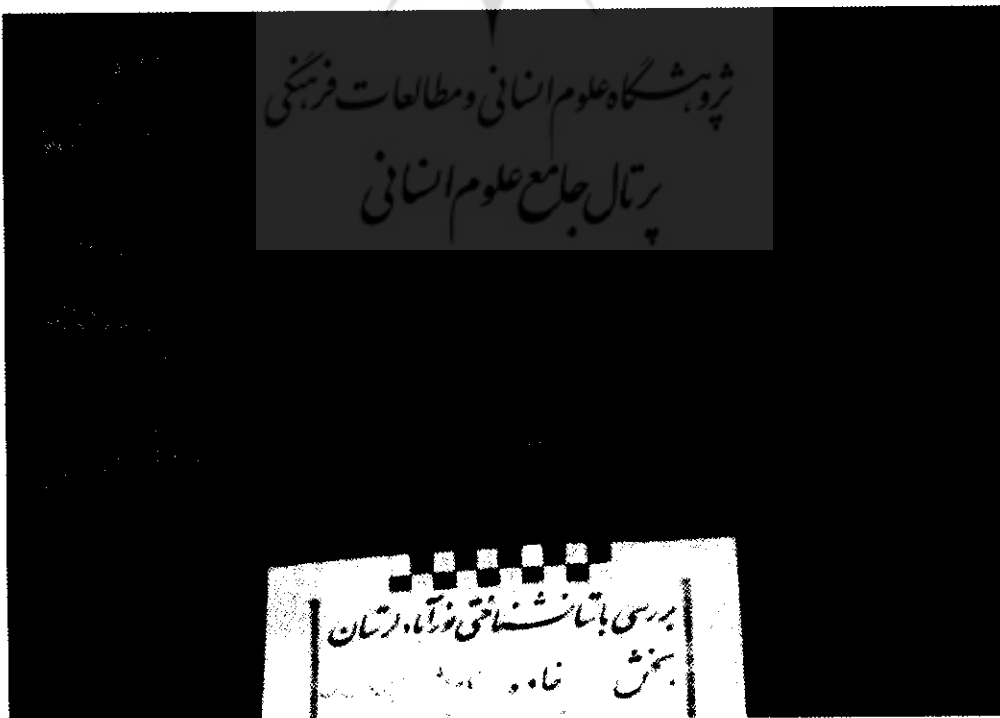
عکس ۱: نمونه‌هایی از سفال‌ها و ابزارهای سنگی تپه عبدالحسینی



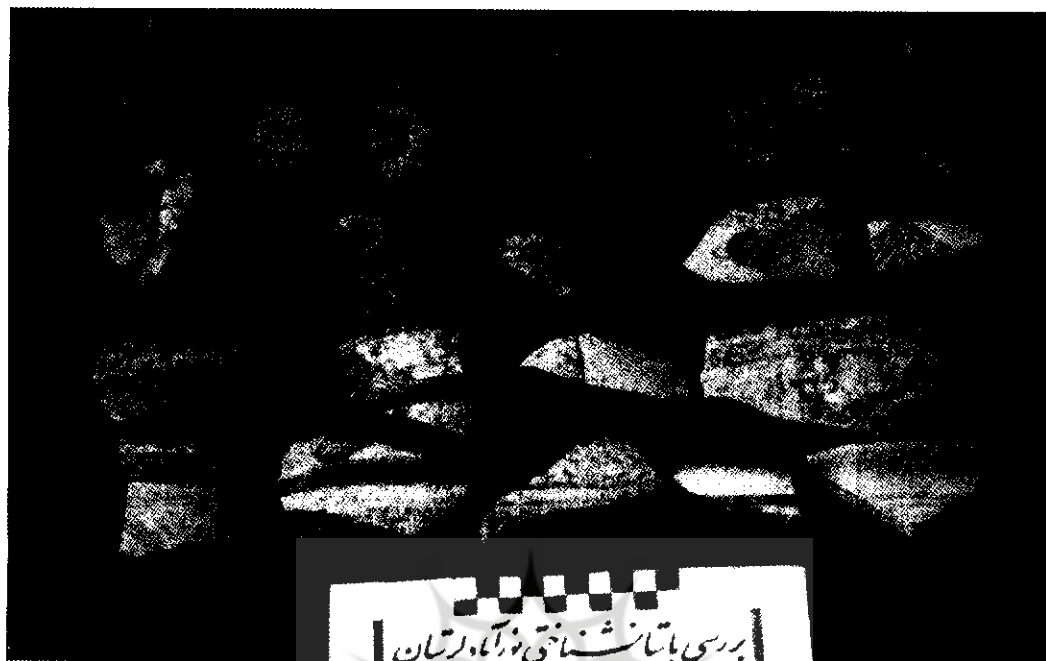
عکس ۲: نمونه‌هایی از سفال‌ها و ابزارهای سنگی تپه خرم چیا



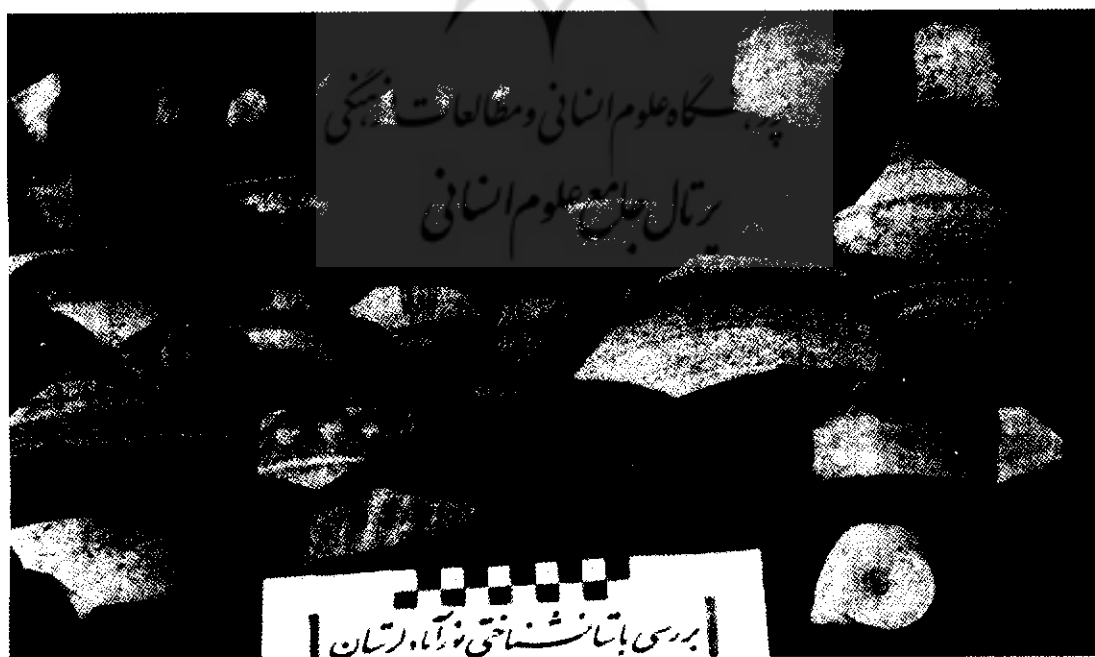
عکس ۳: نمونه‌هایی از سفال‌ها و ابزارهای سنگی تپه چیاقمر



عکس ۴: نمونه‌هایی از سفال‌های منقوش تپه گندمیان



عکس ۵: نمونه‌هایی از سفال‌ها و ابزارهای سنگی تپه گوهرگوش



عکس ۶: نمونه‌هایی از سفال‌ها و ابزارهای سنگی تپه ورشون